



دانشگاه کردستان

مرکز پژوهشهای کردستانشناسی
انتشارات دانشگاه کردستان

مسأله کُرد

بررسی تاریخی و جامعه شناسی

ژویس بلو

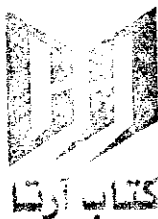
ترجمه: دکتر پرویز امین

عضو هیأت علمی دانشکده ادبیات

دانشگاه کردستان

بررسی جامعه‌شناسی و تاریخی مسئله کرد

tarikhema.org



بررسی جامعه‌شناسی و تاریخی مسئله کرد

نویسنده

ژویس بلو

ترجمه

پرویز امینی



دانشگاه کردستان

Blau, Joyce

بلو، ژویس

بررسی جامعه‌شناسی و تاریخی مسئله کرد / مؤلف ژویس بلو؛ ترجمه پرویز امینی. -
تهران: شالوده، ۱۳۷۹.
ه، ۱۰۷ ص.

ISBN : 964 - 90248 - 2 - 4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

ص.ع. به فرانسه: Problem kurdi essai sousieleji et historikue.

کتابنامه: ص. ۱۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. کردان. الف. امینی، پرویز، ۱۳۲۱ -، مترجم. ب. عنوان.

۹۵۶ / ۰۰۴۹۱۵۹

۸ پ ۵۹ / ۵۴ DS

۱۳۷۹

م ۷۸ - ۲۸۲۵۱

کتابخانه ملی ایران



سندج، خیابان پاسداران، دانشگاه کردستان انتشارات دانشگاه کردستان

تلفن: ۶۳ - ۶۶۶۰۰۶۰ - ۶۶۶۰۰۷۰ نمابر: ۶۶۶۰۰۷۰

دانشگاه کردستان

نام کتاب: بررسی جامعه‌شناسی و تاریخی مسئله کرد

نام نویسنده: ژویس بلو

نام مترجم: پرویز امینی

چاپ اول: پائیز ۱۳۷۹

تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه

مجری: نشر شالوده - تلفن: ۲۲۷۱۳۳۳

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مترجم

بر حسب اتفاق رساله بررسی جامعه شناسی و تاریخی مساله کرد: که بعنوان پیش درآمدی بر تحولات و دگرگونیهای جهان اسلامی معاصر است را مطالعه می کردم و با علم به اینکه کردهای مسلمان نیز در این تحولات سهم بسزایی داشته و دارند بر آن شدم که این رساله را به فارسی برگردانم باشد تا بدینوسیله خدمتی کرده باشم.

تا کنون کتابهای متعددی درباره تاریخ، جغرافیا، زبان و ادبیات و فولکلورکرد نوشته شده، لکن هیچکدام تحلیل جامعی از موقعیت کردها در طول تاریخ و نقشی که امپریالیسم شرق و غرب در این میان بازی کرده اند بدست نمی دهند در حالیکه نوشته حاضر بخوبی از عهده این مهم برآمده و به صراحت نشان می دهد که چگونه ابرقدرتهای وقت به عناوین مختلف و به خاطر غارت و چپاول منافع سرشار ملت های ستمدیده از هر موقعیتی به نفع خود استفاده نموده و با الفاظ پرطمطراق از احساسات پاک و بی شائبه آنها سود جسته و آنها را

الف

بازیچه دست خود قرار داده اند؛ و بمحض دستیابی به نیات پلید خود آنان را در وادی حیرت رها کرده اند و هیچگاه به عنوان حامیان واقعی برای حل مساله کرد چاره اندیشی ننموده اند. نمونه‌های بیشماری از عهدنامه‌ها و مقاوله نامه‌های بین المللی را در این باره می‌توان ذکر نمود که گرچه به ظاهر به خاطر حل مساله کرد بوده لکن در باطن اهداف شوم خود را تعقیب می‌نموده اند و پس از حصول نتیجه جز کاغذ پاره‌ای اثری از آنها بر جای نمانده است.

امید است که این رساله به ظاهر کوچک ولی پر محتوا بتواند خوانندگان گرامی را به واقعیت امر آشنا نموده تا با روشن بینی خود درباره اصل مساله قضاوت کنند.

پرویز-امینی

مقدمه مؤلف

در میان مسایل مهم جهان اسلامی معاصر، مساله‌ای که تا کنون کمتر بدان توجه شده و یا اسلام شناسان آنرا بدست فراموشی سپرده اند و یا حتی از آن اظهار بی اطلاعی می کنند، مساله کرد است. شاید بدان جهت است که این مساله در میان دنیای ترک و عرب و فارس قرار گرفته و برای متخصصین این زمینه یک مساله فرعی و ثانوی است. علت دیگر این امر آنست که تا کنون مقالات و نوشته‌های متعددی در زمینه‌های جغرافیایی، تاریخی، جامعه شناسی و فرهنگی در باره فلان منطقه کردنشین به رشته تحریر در آمده ولی هیچگاه درباره مساله کرد آنطوریکه مورد نظر است مطالعات کلی انجام نگرفته است. بهمین جهت فکر می کنم بررسی ای که شروع نموده ایم از نظر خوانندگان بسیار جالب و با ارزش باشد. در حال حاضر مساله کرد، در میان مسایل داغ بین المللی مقام و موقعیت خودش را باز یافته است علی الخصوص از سپتامبر ۱۹۶۱ که انعکاس نبرد جنگجویان کرد بر علیه لشکریان عراق همه جا طنین انداز شد، جهان را متوجه پیروزیهای آنان بر علیه نیروهای عراقی نمود بعد از اجرای آتش بس موقت در کودتای ۸ فوریه ۱۹۶۳ و از سر گرفتن جنگ محافل مختلف بین المللی توجه خود را به مساله کرد معطوف داشتند، بنابراین مطالبی که بیان خواهد شد هدفی جز روشن نمودن واقعیت و اطلاعات مربوط به این موضوع را ندارد.

تعداد کردشناسان نسبتاً محدود و آثار آنان نیز به تناسب اندک

است. در کشور فرانسه از سال ۱۹۴۵ به بعد دوره‌های زبان- تاریخ و جغرافیای مناطق کرد نشین در مدرسه زبانهای زنده شرقی دایر گردیده است و کرسی آنرا امیر کامران بدرخان شخصیت برجسته کرد دارا می‌باشد.

در بیروت، پروفیسور توماس بوا سالهاست که درباره زندگی، ادبیات و مذهب کردها به مطالعه و تحقیق پرداخته و آثار متعددی از خود بجا گذاشته است. در لندن م. ث. ژ. ادموند در مدرسه مطالعات شرقی و آسیایی کرسی کردشناسی دارد م. دن. ماکتری، دستور زبان کردی را در دو جلد به پایان رسانده است. آثار ژ. ر. درایور برای علاقه مندان به مطالعه در زمینه ریشه نژادی کرد فوق العاده حایز اهمیت است. با این وجود روسیه از بزرگترین تعداد محققان کردشناس برخوردار است. ابتدا از دو متخصص بزرگ روسی الاصل که قسمت عمده عمر خود را در انگلستان و فرانسه سپری نموده اند نام می‌بریم ایندو عبارتند از: ولادیمیر مینورسکی و م. بازیل نیکیتین (متوفی به سال ۱۹۵۸). در دانشگاه لینینگراد روسیه تعداد قابل توجهی از محققین تحت نظر پروفیسور ک. کوردوف K. Kurdoev دانشمند روسی در زمینه کردشناسی تخصص می‌بینند.

در شهر ایروان Erevan یک مرکز مهم کردشناسی جنب بخش شرق شناسی آکادمی علوم جمهوری ارمنستان تاسیس شده است و در مسکو ب. و. میلر B. v. Miller ایران شناس مشهور، به مطالعه زبانشناسی کرد اشتغال دارد.

در باکو نیز مرکز مطالعات کردشناسی جنب انستیتوی شرق شناسی علوم جمهوری آذربایجان دایر می‌باشد. در خاتمه لازم می‌دانم از استاد عالیقدر پروفیسور آرماند آبل، Armand. Abel، مدیر مرکز مطالعات جهان اسلامی معاصر که در چاپ این مقاله کمکهای شایان توجهی نموده اند تشکر و سپاسگزاری نمایم و همچنین از شخصیت‌های برجسته علمی چون امیر کامران بدرخان و.ر.پ. توماس بو، R.P.ThomasBois، که مستقیماً اطلاعات ارزشمند خود را در اختیار اینجانب قرار داده اند و، ماکسیم رودنسون، Maxim Rodinson، که اطلاعات وسیع خود را بی‌دریغ در اختیار ما گذاشته است قدردانی نمایم.

بروکسل، اکتبر ۱۹۶۳

بخش اول

کردها

فصل یکم

کردستان

کردستان یا سرزمین کردها در قلب آسیای میانه، منطقه کوهستانی وسیعی که مساحت آن بالغ بر ۵۳۰۰۰۰ کیلومتر مربع است قرار دارد.^۱ و از خلیج اسکندریه تا خلیج فارس به شکل هلالی میان سلسله جبال و جلگه‌های کرانه قفقاز در شمال، و تبریز و همدان در شرق، و بین النهرین در جنوب و غرب واقع شده‌است، این سرزمین با کوههای مرتفع (برخی از ارتفاعات آن چون آرارات به ۵۰۰۰ متر می‌رسد) و جلگه‌های سرسبز و خرم و رودهای دجله و فرات و مرادسو بتان سواراضی حاصلخیزی را که کشاورزان واقعی بر روی آن کار می‌کنند مشروب می‌سازد. این منطقه با گیاهان و حیوانات خاصی که دارد نقش عمده‌ای در اسکان و توزیع جمعیت دارا می‌باشد.

آب و هوا:

آب و هوای جلگه‌های مناطق آرامنه نشین و وان بر اثر ارتفاعات آن از نوع بری می‌باشد و اختلاف درجه حرارت آن کاملاً محسوس است. مسافرانی که از شمال می‌گذرند شیفته طبیعت زیبای آنجا

(1) - Lucien Rambout (Pseudonyme du R.P.Thomas Bois, O.P.). Les Kurdes Et le Droit, Edit. Le Cerf, Paris, 1974. Ouvrage qui a pose le Probleme Kurde dans toute son ampleur et qui a servi de base a tout travail posterieur.

می گردند. زمستانهای بسیار سختی دارد بطوریکه برف تا ماههای می و ژوئن باقی می ماند.

آب و هوای کوهپایه ها از نوع خشک با تابستانهای بسیار گرم و زمستانهای بسیار سخت می باشد. برای دسترسی به چراگاههای خوب باید دامنه کوهها و سراشیبهای جنگلی مملو از درختان گردو و سدر و بلوط و گز علفی و غیره را طی نمود.

منابع طبیعی:

کردستان سرشار است از منابع زیر زمینی چون زغال سنگ، مس، آهن^۱، سرب، روی، کروم و منیزیم^۲ و بجز صنایع نفتی هیچگونه کارخانه مهمی در کردستان وجود ندارد. نفتی که از کردستان عراق استخراج میشود معادل ۴/۳ تمام نفت تولیدی کشور عراق است. در ایران نیز در منطقه کرمانشاه نفت وجود دارد که تا کنون استخراج نشده است. در ترکیه در منطقه «رامان» Ramman مقدار اندکی نفت استخراج می شود. در قسمت شمال شرقی سوریه دو چاه نفت حفر شده که میزان تولید آن به ۹۰ میلیون تن افزایش داده شده است.

(۱) - دو معدن غنی آهن در مناطق سلیمانیه و رواندوز وجود دارد.

(۲) - چاهای گاز طبیعی در منطقه شمشال و همچنین سنگهای آهکی بسیاری در منطقه سلیمانیه یافت می شوند.

جمعیت:

تعیین آمار دقیق کردهای موجود در خاورمیانه امری است بس دشوار، زیرا آمارهای رسمی کشورهای شرقی غالباً کردها را به عنوان قبایل چادر نشین یا نیمه چادر نشین که در جمعیت کردهای اسکان یافته (شهری و روستایی) ملل حاکم تحلیل رفته اند بحساب می آورد. آمارهای دیگر فقط کسانی را که زبان مادریشان کردی است مد نظر قرار می دهد. بنابراین آمار و ارقامی که بوسیله مقامات رسمی سه کشور اصلی خاورمیانه (ترکیه، عراق، ایران) در مورد کردها ارائه می شود دور از واقعیت است. بر اساس نظر عصمت شریف وانلی ملی گرای، کرد جمعیت کردها را در حال حاضر به سیزده میلیون تخمین زده می شود که ۶ میلیون آن در ترکیه، ۴ میلیون در ایران و ۱۸۰۰۰۰۰ در عراق و ۴۰۰۰۰۰ در سوریه ۱۵۰۰۰۰ در روسیه زندگی می کنند.^۱

تخمین روسها در این باره متفاوت است، خانم آریستووا^۲ MmeAristova جمعیت کل را به ۷ میلیون برآورد می کند که ۲۵۰۰/۰۰۰ در ایران ۱۲۰۰/۰۰۰ در عراق ۳۰۰/۰۰۰ در سوریه و ۱۵۰/۰۰۰ در روسیه ساکن هستند. پروفیسور کوردوف^۳ Kurdoev در این باره رقم ۵۳۰۰/۰۰۰ را برآورد می کند لکن تعداد افرادی را که به زبان کردی تکلم می کنند بابغ بر ۸ میلیون می داند. از طرفی دیگر

(1)- The question of the unification of the written kurdish language in kurdistan NOV.1959.p.6.

(2)-kurdy irana in kratkie soobschenija institute Etnografi.tXX1, " 1954, P.P.98.1.4.

محمود اوف^۱ جمعیت کردها را ۹ میلیون نفر برآورد میکند. برخی از متخصصین غربی این ارقام را بسیار مبالغه آمیز می‌دانند از جمله ث.ژ.ادموند^۲ C.J.Edmond. تصور می‌کند که جمعیت کردها ممکن است به رقمی در حدود ۴ میلیون و یا ۴/۵ میلیون برسد.

بحث دربارهٔ صحت و سقم این آمار و ارقام مورد نظر ما نیست، بلکه آنچه مسلم است اینست که وجود جماعتی کرد که از افزایش سالانه قابل توجهی برخوردار است غیر قابل انکار است. در ترکیه کردها بیشتر در مناطق دیاربکر، بتلیس، وان، در سیم زندگی می‌کنند و در مناطق زرین، هکاری، ارزروم، سیرت، بلاتیا، ارزنجان، ماراش، سیواس، انتیه با یزید کردها ۹۵ تا ۱۰۰٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند. در عراق خصوصاً در قسمت شمال شرقی کشور، در کوهستانها و تپه‌هایی که زاب بزرگ و زاب کوچک و دیاله به دجله می‌ریزند یعنی در قسمت اربیل، سلیمانیه و کرکوک در شرق شط و گروهی دیگر مابین جبل سنجر و موصل کردها زندگی می‌کنند. در ایران نیز در مناطق کرمانشاه و سنندج و همچنین در بعضی قسمت‌های آذربایجان در منطقه ساوج بلاغ جنوب دریاچه ارومیه در منطقه‌ای بطول ۲۰ تا ۴۰ کیلومتر

(1)- kurd. jogkorurd.Erven 1959(en drmenien).

(2)- Kurds. turks and Arabs. oxford 1957.PP.3.4

معذرت‌خواه همین نویسنده در صفحه ۳ یادداشت شماره ۲ خود به مراجعه به یک منبع بسیار دقیق یادآور میشود که جمعیت ۳ یا ۴ میلیون کرد در ترکیه رقم کاملاً منطقی و قابل قبول می‌باشد.

از مرز ایران و ترکیه در غرب ارومیه، سلماس، خوی و ماکو ساکن می باشند. در سوریه کردها بصورت توده های فشرده در مناطق شمال کشور زندگی می کنند و در روسیه بیشتر در جنوب ایروان، گرجستان، آذربایجان و ترکمنستان سکونت دارند. تعداد زیادی از کردها در خارج از منطقه کردستان بصورت مهاجر نشین زندگی میکنند و از جمله در شهر آنکارا و استانبول چندین محله کردنشین وجود دارد^۱. در ایران نیز در مناطق گیلان، قزوین، بجنورد، خراسان وجود دارند و تعدادی نیز به افغانستان و پاکستان مهاجرت نموده اند.

در بغداد و حومه آن تعداد زیادی کرد مهاجر وجود دارد و همچنین در برخی از محلات دمشق و حلب در سوریه و بیروت لبنان نیز ساکن می باشند.

شیوه زندگی کردها:

میورسکی می نویسد: ملتها پدیده های گوناگونی هستند که از عوامل نژادی، جغرافیایی و اخلاقی و غیره تشکیل شده اند. لکن در هر حال برخی از این عوامل می توانند نقش اساسی و مهمی را بازی کنند. برای کردها که در منطقه جغرافیای وسیعی پراکنده هستند و از لحاظ جسمانی نیز تفاوت های قابل ملاحظه ای دارند، عامل اساسی همانا شیوه

(1) - Cf. details sur lavie des Kurdes en Turqvie dans l'article de sir Mark sykes. Les tribus kurdes de l'empire ottoman in J.R. Anthropol. inst. XXXIII Londres 1908

زندگی آنها است و از همه مهمتر مساله زبان است.^۱ اساساً کوهستان نشین‌ها عمر خود را به پرورش دام اختصاص می‌دهند، زمستانها را در جلگه‌ها سپری می‌کنند و در بهار به بذر افشانی می‌پردازند. تابستانها غالباً تعدادی از اعضای قبیله در قشلاق و بقیه بسوی ییلاق کوچ می‌کنند البته برخی از عوامل ثابت یا نیمه ثابت در ییلاق وجود دارد که قابل ذکر نیستند.

برای کردها دام‌ها نیازهای اساسی از از قبیل گوشت، شیر، کره، پنیر، پوست، پشم و غیره را در مناطق کوهستانی تامین می‌کنند. این دام‌ها از گوسفند و بز تشکیل می‌شوند. (در بلندیهای جنوب وان اندازه گوسفندان به ۸۰ سانتی متر می‌رسد) لازم به تذکر است که در میان دامها گاو کمتر وجود دارد و بیشتر از الاغ و قاطر که تحمل زندگی در کوهستان را دارند به عنوان بهترین مرکب خصوصاً برای عبور از پرتگاهها استفاده میکنند. پشم و موی بزها را برای بافت لباس، پلاس و چادر بمصرف می‌رسانند. تولیدات لبنی اساس تغذیه آنها را تشکیل می‌دهند و معمولاً برخلاف آنچه که می‌توان با ورنمود گوشت در فهرست غذایی آنها کمیاب است. شاید این امر بدان جهت باشد که در میان کردها مانند سایر مردمانی که زندگی شبانی یا نیمه شبانی دارند دام یک منبع سرمایه گذاری است تا منبع درآمد. به عبارت دیگر دام معرف سرمایه آنها است.

(1)- Les origines des kurdes in Actes du XXXme congres international des orienta listes Bruxelles 1938.P. 145

امروزه کردهای چادرنشین غالباً در جلگه‌های مرتفع ترک وارمنی یعنی در بلندیهای ارس، مرادسو، فرات و اطراف دریاچه وان زندگی می‌کنند. کردهای اسکان یافته ییلاق و قشلاق نمی‌کنند و کسانی که در روستاها زندگی می‌کنند کشاورزانی هستند که قبلاً چادرنشین بوده و اینک به دلایل اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی در دشت‌های هموار مانده اند که آنها را بامیری (پدر مرده) و یا گامیری (گاو مرده) و یا گاوستی (گاو خسته) می‌نامند. همین مساله است که وجود برخی از کردها را در کوهستانها و بقیه را در جلگه‌ها توجیه می‌کند. کردهای اسکان یافته ممکن است از رعایای بومی مسیحی و مسلمان باشند که بوسیله اعضای یک قبیله دیگر مطیع شده اند. این گروه اخیر شهرنشین‌هایی هستند که عملاً هر گونه وابستگی خود را با قبیله اصلی خود قطع نموده و در شهرهای کوچک مستقر شده اند که تعداد آنها از پنجاه سال پیش تا کنون افزایش یافته است.

کردها کشاورزان بسیار خوبی هستند و گندم و جو و برنج کشت می‌کنند و در کوهستانها مانند همه لبنانیها، از طریق احداث تراس‌های کوچک به کشت ذرت، ارزن و شاهدانه و توتون می‌پردازند و توتون یکی از ثروتهای منطقه است.

کردها در شهرهای دور دست بدنبال کار می‌روند و غالباً به کارهای دشوار ساختمانی و یا باربری اشتغال دارند. در استامبول بسیاری از کردها شغل بنایی دارند. در شهرهای کوچک کردستان کردها بازرگانان کوچک و سوداگران گوسفند و پشم و پوست و مازو

و غیره هستند و نیز در میان آنها صنایع سنتی قدیم رایج است. مخصوصاً بافتن ابریشم، نمد و پشم و آهنگری و زرگری را می توان نام برد. زنان کرد نیز ریسندگی و بافندگی پشم را بعهدہ دارند و گه گاه چار قدهای ابریشمی که غالباً با سکه های طلا یا نقره تزیین شده درست می کنند. آنها همچنین قالیهای اعلا و سجاده و گلیم و غیره می بافند. مردان نیز در سفال سازی، چرم سازی و مواد چوبی از قبیل تخته نرد و غیره و نیز در هنر حکاکی، خنجر سازی و حلقه های کمریند از طلا و نقره مهارت فوق العاده ای دارند. امروزه کارهای ساختمانی و در مراکز مختلف نفتی کردستان کارگران بسیار عالی ای هستند. اما در میان کردهای شهرنشین طبیب، وکیل، کارمند افسر و غیره بیش از آنچه که بتوان تصور نمود وجود دارد. مهاجران کرد که در کشورهای اروپایی (فرانسه، انگلستان، سویس، اتریش و آلمان) ساکن هستند در تجدید حیات علمی و ادبی کرد نقش چشمگیری داشته اند.

جامعه کرد:

کردها بصورت قبیله ای زندگی می کنند لکن شمار دقیق آنها کاری بس دشوار است زیرا آنها گاه افزایش و گاه تقلیل و یا تغییر نام می دهند. برخی از این قبایل در طول تاریخ نقش تاریخی مهمی بازی کرده اند و هنوز هم از شهرت و اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. در میان آنها می توان قبایل زیر را نام برد:

در عراق طایفه بابان ها- همونده ها- هرکی ها و در ایران شکاک-

مکری- اردلان- جاف- کلهرها بدون اینکه از لر و بختیاری بخشی به میان آوریم در ترکیه هکاری- هرتوشی- زیرکان- جلالی- حیدران و در سوریه برازی- میران.¹ کردها خواه بصورت کلان زندگی کنند و یا به صورت یک دولت واحد خود مختار اداره شوند یک نفر رئیس با نفوذ گاه را با خصوصیات مذهبی در میان آنها وجود دارد و این شخص بر اساس وراثت و یا انتخابی به این سمت برگزیده می‌شده است و اساسی ترین نقش وی برقراری عدالت در میان قبیله بوده است. لکن امروز از طرفی به علت مداخله اعیان و اشراف شهری و ملاکین و از طرف دیگر به خاطر سعی و کوشش دولت حاکم بر متمرکز کردن و انتصاب کارکنانی که به امر قضاوت و اخذ مالیات اشتغال دارند اختیارات رؤسای قبایل محدود و از اهمیت چندانی برخوردار نیست.

لازم به تذکر است که زنان چوپانان و کشاورزان کرد، در زندگی فلاکت بار خود با خواهران خاورمیانه‌اش سهمینند و علاوه بر آن امورات سخت و دشوار خانه داری و تهیه آب آشامیدنی از چشمه‌های دور دست و قسمت عمده کارهای کشاورزی بعهده آنهاست. با وجود این و بر خلاف زنان مسلمان خاورمیانه، زن در جامعه کرد مقام و موقعیت ویژه دارد و در انتخاب همسر کاملاً آزاد است. شوهر، برادران و پدر و مادر برای او ارزش و اعتبار فراوانی قایل هستند و علاوه بر اعضای خانواده سایر مردان قبیله نیز به دیده احترام به

(1)- Le vie sociale des Kurdes .R.P.Thomas Bois in Almachriq Juill . oct 1962 P.606.

او می‌نگرند؛ زن کرد در غیاب همسرش تمام امورات خانه و یا خرید را به تنهایی انجام می‌دهد.

دین:

کردها همواره با انجام مراسم دینی خود در برابر نفوذ بیگانگان مقاومت نموده‌اند. برخی از محققان عقیده دارند که مذاهب یزیدی و نستوری در میان اکراد به ظهور رسیده است.^۱ اگر چه کردها در ابتدا بر علیه اسلام مقاومت شدیدی را خود نشان دادند لکن سرعت هر چه تمام تر آنرا پذیرفتند. رف‌نامه می‌نویسد: تقریباً تمامی قبایل کرد مسلمان و شافعی مذهب قسمتی در ایران به استثناء خانواده اردلان و برخی از عشایر کرمانشاهان و لرستان مانند سنجابی و کلهر که مذهب تشیع دارند و گوران (کرمانشاه) که از اهل حق (علی الهی) بشمار می‌روند بقیه بر مذهب شافعی‌اند. علی الهی‌ها که حضرت علی را خدا می‌دانند، مرکز عمده‌شان کرمانشاهانست و آداب و عقایدشان مشهور است و دانشمندان، آثار دین قدیم را در آداب و رسوم آنان باز یافته‌اند و علاوه بر کرمانشاه در سایر نقاط ایران مثل آذربایجان و تهران و غیره از این طایفه بسیارند و گروهی عظیم در هندوستان ساکن‌اند.

(1)-GF. Limoportant ouvrage John Joseph . The nestorians and Their Muslim neighbours. Princeton university press 1961.

طوائف کرد عمدتاً اعتقاد شدیدی به قول و فعل مشایخ دارند و اکثراً تابع مسلک در اویش نقشبندیه و قادریه هستند که مرکزشان در اورامان و مکرری و سلیمانیه و شمدینان و حربوت و غیره است^۱. شرف نامه در بخش آیین و مذهب و معتقدان دینی کردان از قول مینورسکی در دایرةالمعارف اسلامی چنین نقل می کند: «کردان عقیده دارند که پیش از تشرف به آیین اسلام زردشتی بوده اند و در بسیاری از نقاط هنوز بقایای آتشکده های باستانی وجود دارد. نام طایفه بهدینان (عماریه) هم دلیل بر آنست که کردان پیش از اسلام دین بهی داشته اند و زردشتی مذهب بوده اند. در سرزمین کرد نشین تخت سلیمان (شیر کتزک) بزرگترین آتشکده ایران آذر گشنسب هزار سال افروخته بود و آن را آتش پادشاهان می خواندند و سلاطین ساسانی مکرراً پیاده به زیارت آن رفته و از آتش آن آتشکده های کوچک را می افروختند.

در این ایام هنوز در میان طوائف عشیره های بسیاری هست که بقایای آیین قبل از اسلام خود را حفظ کرده اند مانند: یزیدیها، علی اللهی ها، صاریبی ها و غیره. در باب سه طایفه اخیر تحقیقات بسیاری نشده است همینقدر معلوم است که کتب دینی آنان فارسی است^۲.

(1)- Cheref. AL.Din. Khan, Prince de Bitlis; Cheref. Nemeh.

(2)- Encyclopedie de L'islam

فصل دوم

زبان

مطالبی که تا کنون بیان شد، اجمالاً وجود یک جامعه کرد نسبتاً همگن را ثابت می‌کند؛ لکن مطالعه زبان و ادبیات کرد خصوصیات این قوم را بهتر به ما نشان می‌دهد. زبان کردی که وحدت عظیمی را در خصوصیات قومی و فرهنگی خود نشان می‌دهد به گروه شمال غربی زبانهای ایرانی^۱ متعلق است؛ معذک وجود عناصر ناهمگن در لهجه‌های جدید نتوانسته است وحدت خصوصیات قومی و فرهنگی آنرا نابود سازد. مینورسکی در دایرةالمعارف اسلامی بخوبی نشان داده است که زبان کردی از زبان فارسی مجزا است.^۲

ژاک دومرگان تاکید می‌کند که زبان کردی لهجه‌ای از فارسی نیست؛ بلکه یک زبان خاص و خواهر زبان فارسی و شاید قدیمی تر از آن باشد.^۳

گروههای بزرگ زبانشناسی کرد عبارتند از:

الف - **کرمانجی**: لهجه شمالی که دو سوم از کردها با این لهجه تکلم می‌کنند و شامل:

۱- کردهای ترکیه (مردین، بوهتان، هکاری، وان، موش، ارزروم).

(1)- 'congres international des oriental istes, Bruxelles 1938.

V.Minorsky, Actes du XX^{me}

(2)- Kurdes Ecylopedie de lislam, Paris 1926.

(3)-Jacques de Morgan dialectes Kurdes. in Mission scientifique en perse paris 1904.

۲- کردهای ایران (آذربایجان، اشنویه در مرز شوروی).

۳- کردهای شوروی.

۴- کردهای منطقه بهدینان در موصل و اربیل.

۵- کردهای سوریه.

ب- **لهجه سورانی**: یا لهجه جنوبی که کردهای مناطق زیر بدان تکلم می کنند:

۱- کردهای عراق (علی الخصوص کاکایی نزدیک تانگ و زنگنه ها نزدیک کفری و باژلان نزدیک خانقین).

۲- کردهای ایران (مخصوصاً گوران نزدیک کرمانشاه و کردهای اورامان در زاگرس و مهاباد).

ج- **لرها و بختیاری ها**: که با لهجه لری تکلم می کنند و از لهجه سورانی متفاوت است. توضیح اینکه کردها از قرن ها پیش با زبان کردی تکلم می کنند ولی کمتر بدان نوشته اند. اولین موضوعی که کردها در باره آن بیشتر کار کرده اند، تدوین قوانین زبان کردی بوده که بسیاری از متخصصین تحت تاثیر دستور نویس های غربی علی الخصوص فرانسه، آلمانی، روسی قرار گرفته و بقیه نیز دستور نویس های عرب را به عنوان راهنما سرمشق خود قرار داده اند.^۱

(1)- CF. Etude du R.P. Thomas Bois, Remarques critiques sur La nomenclature gramatisale Kurde Bibliotheca orientalis t. Xvll, n°

ادبیات غنی کرد که به زبان‌های کردی عربی یا ترکی نوشته شده با افزودن فولکلور بدان مجموعه بسیار نفیس و با ارزشی را بدست می‌دهد. بعد از قرن نوزدهم کردشناسان عربی ترجمه و نشر آثار کردی را آغاز نموده و آثار ارزنده‌ای را از خود به یادگار گذاشته‌اند و بعداً دانشمندان کرد آثار آنها را پیگیری نموده‌اند و در این زمینه نقش مهمی را ایفا نموده‌اند.

فولکلور و ادبیات

بنا به گفته ویلشویسکی Vilchevsky، رشد و نمو بیش از حد فولکلور نه به خاطر بی‌دانشی مردم کرد است بلکه این امر بیشتر به منظور نیاز به حفظ سنت‌های اصیل آنان است. به عنوان مثال داستانهای دم‌دم (قلعه دم دم در قلب منطقه مکری در جنوب ارومیه است) جنگ با اعراب، مغول‌ها، صلیبی‌ها و ترک‌ها و همچنین داستانها و افسانه‌ها و غزل‌های عاشقانه که نمونه بارزی از فولکلور کرد هستند بهترین دلیل این مدعا است. و در میان اشعار معروف می‌توان نمونه‌های زیر را نقل کرد:

لاس و خزال - ناصر و ممال - فرخ و استی - زلیخا و فتول و ...

که به تشریح صحنه‌های شکار، نبرد و سوز و گدازهای عاشقانه و مناظر طبیعی و غیره می‌پردازد و همچنین اقتباسی از اشعار عرفانی عشاق معروف لیلی و مجنون را می‌توان در فولکلور کرد یافت. بدیهی است که فولکلور غنی کرد هیچگاه مانع پیشرفت و توسعه ادبیات واقعی نگردیده است. در پایان قرن هشتم - ببراخی همدانی - Babrakhi

Hamezani به زبان کردی حملات ملتش را بر علیه تهاجم اعراب تشریح می کند.^۱

بابا طاهر شاعر و عارف معاصر ابن سینا در قرن دهم از شهرت خاصی برخوردار است^۲ علی ترموکی Eli Termuki^۳، اولین گرامر کردی و همچنین سفری به کردستان را نوشته و علاوه بر آن تعداد زیادی از اشعار را جمع آوری نموده است. از میان دیگر شعرای مشهور کرد می توان علی حریری شمعدینانی (۱۰۷۹-۱۰۰۹) و فقیه طیران (۱۳۷۵-۱۳۰۲) که منظومه غنایی سیاه پوش را با نام مستعار م-ه به رشته تحریر درآورده و در زمره اولین کسانی است که بر علیه تبعیضاتی که در طول تاریخ نسبت به کردها روا داشته اند اعتراض نموده و شیخ احمد متخلص به نشانی اهل جزیره بوتان معروف به ملای جزیری (۱۳۰۷-۱۴۸۱) شاعر یست عرفانی و دیوان وی بالغ بر دو هزار بیت می باشد و توانست مکتب کلیه شعرای معاصر خود را تحت تاثیر قرار دهد نام برد. ملا احمد باته اهل هکاری (۱۴۱۷-۱۴۹۵) یکی دیگر از شعرای کرد است که بیشتر به خاطر اشعاری که در مدح پیامبر اکرم (ص) به نام مولودنامه سروده است از شهرت زیادی برخوردار است. شایان توجه است که در قرن شانزدهم ادیب بزرگ کرد ادیس بتلیسی که مورخ دربار عثمانی بود توانست

(1)- V.Minorsky, les kurdes, art.cit.

(2)- V.Minorsky les kurdes art.cit.

(3)- R.P thomas Bois, coup doeil sur ld litterature kurde in Almachrig Beyvooth 1955.PP.201,239.

کردها را در جنگ چالدران (۱۵۱۴) به نفع سلطان عثمانی وارد کارزار نماید. همچنین می‌توان از سلطان حسین امیر بهدینان متوفی بسال ۱۵۷۶ نام برد که کتابخانه بسیار با عظمتی داشته که دارای دو هزار جلد کتب خطی نفیس و گرانبها بوده است. چند سال بعد شرف الدین خان امیر بتلیس، اثر معروف خود را به نام شرفنامه که به قول مینورسکی اساس و پایه شناخت اروپائیان از تاریخ کرد است بسال (۱۵۹۶) به چاپ رسانید. قرن هفدهم را می‌توان دوره شکوفایی ادبیات ملی کرد نامید. احمد خانی هکاری (۱۶۵۰-۱۷۰۶) داستان حماسی «مه می آلان» Mame Alan را انتخاب و آنرا با محتوای اسلامی بیشتر تحت عنوان «مم وزین» Memozin که عشق مم و زین (محمد و زینب) را بیان می‌کند در پنج هزار بیت به نظم درآورده و علاوه بر آن یک قاموس کردی-عربی را به نظم درآورده و کتابی نیز درباره جغرافیای کردستان نوشته است^۱ و شاگرد وی اسماعیل بایزیدی (۱۶۵۴-۱۷۰۹) غزلیات و همچنین یک فرهنگ (کرمانجی-عربی-فارسی) از خود به یادگار گذاشته است و در آن سوی کردستان یعنی در دربار والی‌های اردلان در سنج تعداد بیشماری شعرا و دانشمندان کرد جمع شده بودند. از این دوره که بگذریم قرن هیجدهم را می‌توان در واقع دوره انحطاط ادبی کرد نامید، فقط در اواخر این دوره است که نالی

(1)- I.R.P.thomas Bois op.cit p.205.

افندی^۱ Nali Effendi، (۱۸۵۵-۱۷۹۷) جان تازه‌ای در کالبد ادبیات کرد می‌دمد. شعرای این دوره تلاش می‌کنند تا خود را از قید و بندها و فرمهای قدیمی ادب کردی رها سازند و بیشتر به داستانهای مردمی پردازند و در اشعار خود از مبارزات ملت کرد بر علیه استبداد حکومت عثمانی سخن گفته و مردم را به رهایی از یوغ این امپراطوری ستمکار تهیج کنند.

حاج قادر کوی (۱۸۱۷-۱۸۹۴) که در استامبول می‌زیست، قسمت اعظم دیوان خود را بسال ۱۹۲۵ در بغداد و بقیه را در سال ۱۹۳۵ در اربیل به چاپ رساند. دیوان این شاعر فریادی است انقلابی بر علیه شیوخ و ملاهای قشری و آنها را به عنوان سدی در برابر آزادی افکار توده مردم معرفی می‌کند. اشعار ملی‌گرایی وی هنوز از عظمت ویژه‌ای برخوردار است.

سرانجام به طور خلاصه نقش زنان کرد بویژه در ترانه‌های عاشقانه و حماسی و جنگی را یادآور می‌شویم: ماه شرف خانم اردلان (۱۸۰۰-۱۸۴۷)، سیره خانم دیاربکر (۱۸۱۴-۱۸۶۵) جیران خانم نخجوان، عایشه تیمور (متوفی بسال ۱۹۰۲)، بیبی ریحان دختر ملا حسین برواری (۱۸۵۷-۱۹۰۵)، پیروز خانم دختر حسین کنوش (متوفی بسال ۱۹۱۱) خاتو خورشید (۱۸۸۱-۱۹۳۱) دختر شیخ معروف کیودوس (۱۸۸۱-۱۹۳۳) را می‌توان نام برد.

(۱) - نالی افندی (ملاخضر شهرزوری) لهجه‌های مختلف کرد را مطالعه کرده و یک گرامر عربی را به کردی ترجمه نموده است.

فصل سوم

جنبش فرهنگی کرد در قرن بیستم

در آغاز این قرن، هفت روزنامه و مجله کردی وجود داشته که چهار عدد آنها در استامبول و بقیه در قاهره و بغداد به چاپ می‌رسیده است. با مطالعه مراحل حرکت فرهنگی کرد در قرن بیستم مشاهده می‌گردد که بعد از جنگ جهانی اول مراکز فرهنگی کرد از عراق به خصوص بغداد و سلیمانیه تغییر مکان می‌دهند. گرچه بررسی تمامی این دگرگونیها غیر ممکن بنظر می‌رسد لذا ناگزیر جنبه‌های آنرا به طور جداگانه در سوریه، عراق، ترکیه، ایران و روسیه مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم.

جنبش فرهنگی کرد در سوریه

نهضت فرهنگی کرد در سوریه اهمیت واقعی خود را بعد از وقوع حوادث سال ۱۹۳۰ باز می‌یابد.

این حوادث عبارت بودند از تحکیم و تقویت احساسات ملی کرد از طریق احیای زبان و تجدید حیات ادبی آن. مبتکرین این جنبش فرهنگی برادران بدرخان

مخصوصاً^۱ امیر جلادت (۱۸۹۳-۱۹۵۱) و برادرش امیر کامران عالی بودند.

ارکان این جنبش مجله «هاوار» می‌باشد که به کردی و فرانسه به چاپ می‌رسد و اولین شماره آن در پانزدهم ماه می ۱۹۳۲ انتشار و تا سال ۱۹۳۵ ادامه یافت و از سال ۱۹۴۱ تا سال ۱۹۴۳ پنجاه و هفت شماره آن به چاپ رسید و ضمیمه‌ای داشت به نام «روشنایی» اولین اقدام مهم بنیانگذار مجله هاوار تنظیم و نشر الفبای کردی با کاراکتر لاتین بود و ابداع کنندگان این الفبا از پیشینیان که الفبای ترکی را به لاتین تبدیل نموده بودند الهام گرفته اند. آنها توانستند با این الفبا وحدت کرمانجی را نیز حفظ نمایند. برای تحقق این هدف، نویسندگان کلیه مطالب کلاسی را تهیه و یک سری جزوات و یادداشتهایی که پاسخگوی این هدف باشد به چاپ رسانیدند^۲ و مقامات فرانسوی به نحوی از انحاء موجبات شکوفایی جنبش فرهنگی کرد را در سوریه و لبنان فراهم نمودند.

پیرامون مجله «هاوار» و بنیانگذار آن گروهی از نویسندگان و شعرای جوان گرد آمده بودند که برخی از آنها از استعداد خارق

(۱) - بدرخان کامران عالی قرآن مجید و همچنین هفتصد حدیث نبوی و ضرب‌المثل‌های حضرت سلیمان (۱۹۴۷-۱۹۴۹) و انجیل یوحنا و انجیل لوقا را به کردی ترجمه نموده و همچنین ضرب‌المثل‌های کردی را در سال ۱۹۳۷ به فرانسه و آلمانی برگردانده و در سال ۱۹۵۳ گرامر کردی را به منبع اساسی اطلاعات ما اروپاییان است در مدرسه السنت شرقی پاریس به چاپ رسانده و در حال حاضر مشغول تهیه و چاپ یک فرهنگ فرانسه کردی با بیش از ۶۰۰۰۰ لغت می‌باشد.

(2) cahier N° I: Note sur l'alphabet Kurde.

العاده‌ای برخوردار بودند؛ در میان مهمترین آنها می‌توان از مصطفی احمد باتی، که به خاطر داستانهای مشهورش شهرت دارد و قدری خان، شاعر نوپرداز و همچنین عثمان صبری، و ملا احمد حیدران را نام برد. بدون تردید معروفترین و مشهورترین آنها، شیخ موسی حسین، متخلص به جگر خون، است که اولین اشعارش را در سال ۱۹۴۵ به چاپ رسانید. دیوان جگر خون مملو از اشعار ملی‌گرای است و کردها را به مبارزه بر علیه فقر و بی‌دانشی برمی‌انگیزد. این شاعر دومین اثر خود را در سال ۱۹۵۴ بنام انقلاب و آزادی، چاپ نمود و آثاری نیز درباره گرامر و تاریخ کرد به نثر و شرفنامه‌ای به شعر را از خود به یادگار گذاشته است.

جنبش فرهنگی کرد در عراق

پس از پایان درگیریهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۰ جنبش فرهنگی کرد در عراق به نحو چشمگیری توسعه یافت و روشنفکرانی که به خاطر فشارهای روزافزون دستگاه حاکمه کشورشان در استامبول می‌زیستند به عراق برگشته و جمع روشنفکران کرد عراق را بارورتر ساخته و دو مرکز بزرگ علمی و ادبی در سلیمانیه و بغداد ایجاد نمودند.

روزنامه‌های پیش که وتن، پیشرفت و ترقی، (۱۹۱۹-۱۹۲۲)، بانگی کوردستان، ندای کردستان و روز کوردستان، روز کردستان و بانگ حق، ندای حق و امید استقلال و ژیان، زندگی و زنانستی،

دانش را در سلیمانیه منتشر نمودند.^۱ لازم به تذکر است که روزنامه یومیهای که بیش از ۳۰ سال انتشار می‌یافت ابتدا تحت عنوان 'ژیانه وه' زنده شدن و سپس به نام 'ژیان' و سرانجام 'ژین' منتشر می‌شد.

در بغداد نیز روشنفکران ابتدا روزنامه 'دیاری کوردستان' هدیه کردستان و سپس 'گلاویژ' ستاره جدی را از سال ۱۹۳۹ تا سال ۱۹۴۹ منتشر می‌نمودند و سپس روزنامه‌های دیگری بنام 'ده نگی گیتی تازه' ندای دنیای جدید و 'نزار' را منتشر ساختند که مدت مدیدی ادامه یافت. سپس روزنامه 'ده نگی کوردستان' ارگان دانشجویان انتشار یافت و بعداً به 'خه بات' مبارزه و پیکار ارگان حزب دمکرات کردستان تغییر نام داد تا سال ۱۹۶۱ انتشار می‌یافت و در همان ایام توسط حکومت ژنرال قاسم توقیف گردید. سپس روزنامه‌های 'هیاوا'، 'رزگاری' و 'روناهی' بصورت ماهانه و دو هفته یکبار انتشار می‌یافتند. سپس روزنامه 'آزادی' ارگان حزب کمونیست عراق شاخه کردستان در رواندوز انتشار یافت و در سال ۱۹۳۶ روزنامه‌های 'زاری کرمانجی' در اربیل و 'راستی' در موصل منتشر شد.

لازم به تذکر است که تمام این روزنامه‌ها و مجلات به لهجه سورانی انتشار می‌یافتند. افق ادبیات کرد در پرتو ارتباط با ادبیات کشورهای غربی و عربی بیش از پیش توسعه یافت. نخست روشنفکران و نویسندگان کرد تعداد زیادی از آثار با ارزش علمی و ادبی و

(1)-CF.R.P. Thomas Bois.op.cit PP.212-213,CF egalemnt C.J. Edmonds. A.Bibliography of southern kurdisch : 1920 a 1936, in G.R.A.C.S/1937, T.XXIV.P. 1937 a 1945 in J.R.A.C.S. 1954

سفرنامه‌ها را از زبانهای عربی و انگلیسی به کردی ترجمه نموده و مطالبی را که در رابطه با کرد و کردستان در نوشته‌های جهانگردان انگلیسی و اروپایی و مجلات عربی به چاپ می‌رسد به کردی ترجمه می‌نمودند. و برخی از محققین هم وقت خود را به چاپ دستور زبان فرهنگ و فولکلور کرد صرف نمودند^۱ و ضمناً علاقه وافر به تاریخ- جغرافیا- ادبیات و اشعار کردی از خود نشان دادند. بدیهی است، بر شمردن نام صدها نویسنده کرد از عهده این مقاله خارج است. معذک یادآور می‌گردد که مطبوعات و ناشرین تا سال ۱۹۵۸ مقالات ادبی، تاریخی، اشعار و داستانها تقدیم خوانندگان خود نموده لکن درباره مسائل روز با احتیاط از آن سخن می‌رانند و موضوعات ملی و ناسیونالیستی صرفاً در قالب اشعار و افسانه‌های گذشته رایج می‌گردید. اما بعد از ماه اوت ۱۹۵۸ که کردها از آزادی بیان برخوردار شدند بلافاصله بانگ ملی‌گرایی را سر داده و پس از بوقوع پیوستن کودتای ژوئیه ۱۹۵۹، نویسندگان کرد جشن پیروزی 'جمهوری دموکراتیک کرد و عرب' را با نظم و نثر برگزار کردند و این اسطوره برادری کرد و عرب همیشه به عنوان اساس و پایه رژیم عراق معرفی شده است و یک واحد تعلیم و تربیت علمی به منظور ایجاد دبیرستان و دانشگاه کرد تاسیس و همزمان یک هیأت شش نفره مامور تهیه کتب تاریخ، جغرافی و ادبیات کرد به زبانهای عربی و کردی گردید. و به دنبال آن زبان کردی در برنامه‌های درسی قسمت عرب زبان عراق متداول هنوز

(1)- Geew Mukriani, dictionnaire arabe -kurde de 35000 Mots.

اندکی از خواسته‌های کردها در زمینه‌های فرهنگی و اداری تحقق یافته بود که در اوایل سال ۱۹۶۱ شرایط تغییر یافت.

جنبش فرهنگی کرد در ترکیه

نهضت فرهنگی کرد در ترکیه از موقعیت و شرایط اسفناکی برخوردار است. زیرا سیاست انعطاف ناپذیر ترکها در جهت ترک قلمداد کردن کردها (در ترکیه کردها را از ترکهای کوهستانی می‌نامند) را می‌توان یکی از نتایج خفقان بار این فقر فرهنگی نامید. با وجود این بر اثر بی‌خبری و جهالت مقامات ترک فرهنگ کرد از توسعه و انتشار باز نایستاد. کتابهای کردی بطور مخفیانه فروخته می‌شد و به نقل از روزنامه ترک زبان «یانی استانبول»^{۱۰} «Yani Istanbul» بتاریخ ششم نوامبر ۱۹۶۰ کتابهای کردی که در عراق به چاپ می‌رسید به طور مخفیانه وارد ترکیه می‌شد در جنب مساجد به فروش می‌رسید.^{۱۱}

(۱) - به نقل از روزنامه «Yeni Istanbul» در ششم نوامبر ۱۹۰۶ در مقاله‌ای تحت عنوان «در یک مدرسه مخفی کرد»: در ناحیه تیل «Tille» ده کیلومتری جنوب شهر بانی «سیرت» «Siirt» یک مدرسه کوچک کرد بصورت مخفی وجود دارد. در یکی از کلاسهای این مدرسه حضور یافتم و شخصی که به عنوان معلم به بچه ترکها خواندن و نوشتن زبان کردی را می‌آموخت از الفبای کردی که از عراق وارد شده بود استفاده می‌کرد. به یاری مترجم‌مان که کردی صحبت می‌کرد توانستیم با معلم این کلاس صحبت کنیم، به گفته او یک ملیت کرد در ترکیه وجود دارد که باید علم آنها برافراشت.

نمایندگان کرد که از حمایت تعداد بیشماری از روشنفکران برخوردار بودند در سپتامبر ماه ۱۹۹۵ از دولت ترکیه تقاضای چاپ و انتشار روزنامه‌هایی به زبان کردی را نمودند. معذلتک درخواست آنان مورد توافق مقامات ترک قرار نگرفت. لکن یک ماه بعد علیرغم ممنوعیت، گلچینی از اشعار کردی در شهر دیاربکر به چاپ رسید و بلافاصله ناشر آن به محاکمه کشیده شد. و دوازده وکیل برای دفاع از ناشر مذکور داوطلبانه اعلام آمادگی نمودند و قضیه به همین جا خاتمه یافت. بنابراین می‌توان سرانجام مسایل سیاسی را در ترکیه پیش‌بینی نمود.^۱

جنبش فرهنگی کرد در ایران

باید اذعان نمود که موقعیت فرهنگی و مطبوعاتی کرد در ایران نیز چندان درخشان نبوده است، زیرا دولت‌های وقت همواره سیاست همگنی کرد و فارس را تعقیب می‌نمودند. با وجود این مقامات ایرانی بر اساس مقتضیات زمان در تاریخ ششم ماه می ۱۹۵۹ اجازه انتشار یک روزنامه ادبی و اطلاعاتی را بنام «کردستان» در تهران صادر نمودند و به محض انتشار اولین شماره، این نشریه به ترجمه آثار منتشره بفارسی پرداخت.^۲ روزنامه کردستان به لهجه محلی سنجلی و با القاب فارسی به چاپ می‌رسید و تیراژ آن نسبتاً محدود بود. در مناطق کردنشین نیز به فروش نمی‌رفت. در ایران به جز یک کرسی کردشناسی در دانشگاه

(۱) - روزنامه مه لوموند ۲۶ دسامبر ۱۹۵۹.

(2) - Les kurdes dihsan Nouri pacha, naraionaliste kurde, heors de la campagne de lagri dagh.

تهران^۱ هیچگونه مدارس ابتدایی یا متوسطه به زبان کردی وجود ندارد. وبه همین جهت فعالیتهای فرهنگی و ادبی در میان کردها چندان چشم گیر نبوده است و فقط هنگام جمهوری مهاباد در سال ۱۹۴۶ فعالیتهای فرهنگی و ادبی به زبان کردی شکوفا گردید و از آن تاریخ بعد از کتاب 'تاریخ کرد و کردستان' تالیف شیخ محمد آیت اله مردوخ کردستان نام برد.

جنبش فرهنگی کرد در روسیه

با بیان موقعیت فرهنگی کردهای روسیه این نظر اجمالی به جنبش های کرد را پایان می بریم^۲. چنانچه از لحاظ جمعیت مقایسه کنیم تعداد جمعیت کردهای روسیه نسبت به تعداد کردهای کشورهای

۱ - تا سال ۱۹۹۳ در کردستان ایران فقط مدارس علوم دینی وجود داشت و در حال حاضر در شهر سقز تعداد یک مدرسه نه کلاسه و سه مدرسه شش کلاسه و یک مدرسه ابتدایی برای دختران وجود دارد. در مهاباد دو مدرسه متوسطه: یک مدرسه برای پسران و یک مدرسه برای دختران و همچنین یک دبیرستان ناتمام وجود دارد. در اشنویه پنج مدرسه ابتدایی در کرمانشاه هشت مدرسه متوسطه و هجده مدرسه ابتدایی پسر و دختر وجود دارد.

(2)- CF.L'article tres documente de M.A.Benningsen, les kurdes la kurdologie en union sovietique paru dans les cahier du monde Russe et sovietique vol I-ITI, avril-Juin 1960.

خاورمیانه بسیار ناچیز است، لکن از لحاظ به رسمیت شناختن حقوق آنها شاید بتوان گفت که اتحاد جماهیر شوروی تنها کشوری است که در جهان که حقوق ملی کردها را به رسمیت شناخته و به همین جهت است که کردهای روسیه از فعالیتهای ادبی و مدارس به زبان کردی و مطبوعات و برنامه‌های رادیویی برخوردار هستند.^۱

تعداد زیادی روشنفکر و نویسنده جوان در روسیه متولد شده‌اند که بوسیله محققان و دانشمندان متعددی درخشانده‌اند. در ارمنستان و

(۱) - متأسفانه نویسنده در پاورقی شماره ۲ فقط به ذکر مقالات M.A.Benningsen در مورد وضعیت فرهنگی کردهای روسیه اشاره نمود و نسبت به سیستم آموزشی ایران که بر اساس نظام متمرکز اداره می‌شود آگاهی کافی نداشته است. دلیل این مدعا را در گفته‌های خانم درآرستیوا که در کتاب خود به نام «کرد ایران» که پاورقی شماره یک همین صفحه که تعداد مدارس فعال در مناطق کردنشین را ذکر نموده بخوبی می‌توان مشاهده نمود. حتی می‌توان ادعا نمود که نامبرده کلیه مدارس مناطق کردنشین را کامل ذکر نکرده است. به عنوان مثال از مدارس فعال در سنندج که سالیان مدیدی است بعنوان یکی از مراکز مهم علمی و فرهنگی مشهور است ذکر می‌شود به میان نیاورده است در حالیکه در کتاب آینه سنندج صفحه ۵۷۹ از بیست و هشت مکتب خانه معتبر که در شهر سنندج فعال بوده و در سال ۱۳۱۵ خورشیدی از طرف اداره معارف و اوقاف (آموزش و پرورش امروز) کلیه آنها تعطیل و شاگردان آنها به نسبت سواد معلوماتی که داشتند به مدارس دولتی منتقل شدند؛ خبر می‌دهد.

گرجستان مدارس ابتدایی و متوسطه به زبان کردی وجود دارد. در ایروان، یک کرسی کرد شناسی در مؤسسه تعلیم و تربیت ارمنستان ایجاد گردیده و همچنین تعداد زیادی کتب درسی برای استفاده مدارس کرد زبان توسط کردشناسان ارمنستان در ایروان به چاپ رسیده که در میان آنها می‌توان آثار R.Drambjan و T.Maragulov را ذکر نمود، و بعد از سال ۱۹۳۶ کتابهای کردی توسط مولفین کرد امین اودال Amine Avdal و نادری W.Nadri و غیره به چاپ رسیدند. سرانجام، از آغاز جنگ، دو گرامر بسیار کامل بوسیله که- کوردوف K.Kurdoev و ای سکرمن I.I.Tsukerman در ایروان و مسکو به چاپ رسیدند.

تاریخ ادبیات کردی روسیه که اخیراً ایجاد گردیده به زمان تغییر الفبای کردی به لاتین برمی‌گردد. و از آثار متعددی که در زمینه‌های اشعار - داستان و رمان برخوردار است. در ماه اوت ۱۹۵۸ در کنگره دانشجویان کرد در اروپا اعلام گردیده که در طول سه ساله اخیر بالغ بر ۱۵۰۰ جلد کتاب و رسایل به زبان کردی تالیف و در روسیه به چاپ رسیده است. معروفترین نویسندگان کرد روسی عبارتند از عرب شامیلوف A.Shamilov، آ، جوندی A.Gindi، لازو Lazo، کاسک Qasek میراد Mirad، نادری سیواس که اکثر آثار آنها در ایروان به چاپ رسیده است. و همچنین روزنامه «Reya Taze» راه جدید از سال ۱۹۳۹ هفته‌ای دوبار در ایروان به چاپ میرسد. و در فاصله سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۴ چندین دیوان شعرا و نویسندگان کرد زیر نظر

ژ. جلیل G.Galil در ایروان به چاپ رسیده اند.

در سال ۱۹۲۲ الفبای کردی به الفبای ارمنی تبدیل و سپس در سال ۱۹۲۶ بوسیله ایسور روگولوف Aissor Marogulov و عرب شامیلوف A. Shamilov به الفبای لاتین تغییر و در سال ۱۹۲۸ این تغییر رسمیت یافت.

در سالهای ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ الفبای سیریلیک (الفبای اسلاو) که دارای سی و نه علامت بود (نه علامت با صدا و سی علامت بی صدا) و توسط ادبایی چون کاپاک جان Kapacjan و جوندی A. Gindi تهیه شده بود جایگزین الفبای لاتین گردید که کوردوف K.Kurdoev در اثر معروف خود بنام «گرامر زبان کردی»

Grammatica Kurkoyo Jazyka

جدول تطبیقی پنج نوع الفبای کردی را به این شرح تهیه نموده است: الفبای عربی - الفبای سیریلیک ۱۹۴۵ و لاتین روسی ۱۹۲۷ و لاتین سوریه ای و لاتین عراقی. لازم به یادآوری است که کردشناسی روسی در شهرهای مسکو لنینگراد به سرعت روبه توسعه است و بسیاری از کردشناسان دانشگاههای مختلف اصالتاً کرد هستند.

بخش دوم

تاریخ حرکتهای ملی کرد

فصل اول

کردها تا قرن نوزدهم

به نظر ولادیمیر مینورسکی^۱ بسیار محتمل است که اصل و منشاء کرد از دو قبیله هم خون «سیرتها» - Cirtes و «مادها» - Mardes بوده که با هم نقل مکان کرده و بعد از سقوط «نینوا» بسال ۶۱۲ قبل از میلاد به قبایل هند و اورپایی که از دو هزار سال قبل از میلاد از قسمت جنوب روسیه به کردستان مهاجرت نموده و به لهجه مادی تکلم می نمودند ملحق شدند. اسناد و مدارک بسیار قدیمی وجود قبایلی به نام «کارداک» - Kardaka را در این منطقه تایید می کند.

نویسندگان و محققین کلاسیک یونانی و رومی بارها اسامی نزدیک به آن مانند:

«کردین» - Corduene، «گوردیا» - Gordiae، «کاردوچی» - kardovchoi، «کاردوک» - Cardouque که دهها هزار سال قبل با آنها برخورد کرده

(1)- Actes du XX^{me} congres international des orientalistes bruxolles 5-10 sept 1938. P.151.

اندرا نام می‌برند.^۱ مورخین و جغرافیدانهای عرب وجود کردها را یادآور می‌شوند لکن بندرت فرضیه‌ای در باره اصل و منشأ آنها بیان می‌کنند.

بطور کلی قوم کرد در دره‌های سلسله جبال زاگرس یعنی در کردستان ایران هم که هنوز به «کردستان قدیم» معروف است متمرکز شده و سپس به کردستان مرکزی و جنوبی (عراق) و سرانجام کردستان غربی و بین النهرین (ترکیه) کشیده شده اند.

بعد از سقوط امپراطوری ماد بسال ۵۵۵ قبل از میلاد مرکز کردها در کردستان ایران بود و قبایل کرد دیگر نتوانستند متحد شوند و مانند دوره ماد نقش سیاسی فعال را اجرا کنند لذا در کوهستانها برای خود زندگی مستقلی را تشکیل دادند و فقط نیروی نظامی مورد نیاز را در اختیار قدرتهای وقت قرار می‌دادند. لکن هیچگاه موفق نشدند در میان خود وحدت و هماهنگی ایجاد کنند.

در قرون وسطی تعداد زیادی از قبایل کرد از حالت ییلاق و قشلاق بدر آمده و اسکان یافتند و در نتیجه کردستان از حاکم نشین های مستقلی پوشیده می‌شد که تعداد زیادی از آنها در طول تاریخ پیشرفت‌های چشمگیری داشته اند و مانند سایر اقوام آسیای اسلام برای آنها نیروی عظیم تمدن بخشی بود که مدتهای مدیدی تحول اجتماعی و سیاسی آنها را تعیین می‌کرد.

^۱ 1)- Xenophon, Anabase.IV.4.18,6,5,7, 1,5,7,17

در میان سلسله‌های معروف کرد که مدت فرمانروایی آنها نسبتاً طولانی بوده می‌توان سلسله‌های زیر را ذکر نمود:

۱- سلسله شدادی که در سال ۹۵۱ محمد شداد بن کارتو رئیس شاخه راوندی تاسیس گردید. و دیگر سلسله ایوبی مصر است^۱ که بوسیله صلاح الدین ایوبی تاسیس و بوسیله ملک‌شاه سلجوقی منقرض گردید.

والیان و حکمرانان کرد آثار تاریخی بسیار جالبی از خود بیادگار گذاشته‌اند. از جمله می‌توان از دو مسجد معروف در شهر آنی Ani، ترکیه (شهر ۱۰۰۱ کلیسا) نام برد سلسله دیگر کرد، سلسله حسنیه است که به سال ۹۵۹ در منطقه جبال بوسیله حسنیه بن حسن رئیس طایفه برزیکان تشکیل و برکن الدوله آل بویه خدمت نموده است.^۲

سومین و معروفترین سلسله کرد، سلسله مروانی است که بوسیله ابوعلی بن مروان بن دوستک تاسیس و از سال ۹۹۰ تا ۱۰۹۶ ادامه یافت. قلمرو این سلسله سرزمینهای دیاربکر و جزیره و بعضی شهرهای ارمنی و همچنین اورفا Ourfa را در بر می‌گیرد.

(1)- V.Minorsky. Studies in caucasane History. I.new light on the shaddaddids of Ganja. II the shaddaddids of ani in oriental series of the university of cambridge vol.VI 1953.

(2)- C.F.E De Zambaur Manvel de Genealofie et de chronologie de Li slam orient-Buchhandlung Heinz lafaire Hannover 1927.P.211.

همچنین می‌توان از سلسله‌های بانو اناز، Banou Anaz، در جبال و شبانکاره در فارس در قرن یازدهم و سلسله هر سپید، Haraspides (۱۳۳۹-۱۱۴۸) از اتابکان لرستان بزرگ نام برد.

ابویه‌ها که در استقرار سلسله‌های کرد نقش عمده‌ای داشتند، از نظر نظامی موقعیت ویژه‌ای را دارا بودند.^۱ اما با ظهور مغولها در قرن سیزدهم نقش کردها محو می‌شود و از کوهستانها کوچ و مناطق مسکونی آنها تدریجاً زیر نظر اقتدار امرای مغول قرار می‌گیرد.^۲ بعد از مغولها سلسله‌های رقیبی چون ترکمن‌ها بر کردستان حکمرایی کردند و آنها را در جنگهای سیاسی- مذهبی درگیر نمودند.

شرفنامه، مواردی را که حقوق سران کرد بوسیله تیمور لنگ مورد تأیید قرار گرفته ذکر می‌کند. بالعکس ترکمن‌ها در قرن پانزدهم خانواده‌های بزرگ کرد را معدوم کردند. در قرن پانزدهم هنگامی که ترکها، قسمت ارامنه و کردستان را (۱۵۳۶-۱۵۱۴) اشغال کردند سلطان سلیم اول عثمانی با مشاورت ماهرانه وزیر کردش ادریس بتلیسی سرکوبی کردها را از سر گرفت سپس ادریس ماموریت یافت مناطق کردها که به ایالت‌های کوچک تقسیم شده و غالباً در راس هر کدام یک کرد قرار داشت سازماندهی نماید و هر قبیله‌ای ملزم بود در صورت لزوم سربازان مورد نیاز را برای سلطان تأمین نماید. لکن بعلت دوری از حکومت مرکزی و مشکلات ارتباطی رؤسای کرد از تعهدات خود سرپیچی نمودند. در قرن هفدهم هنگامیکه عثمانیها برای

(1)- CF.E. de zambaur, op.cit, dynasties kurdes
P.P.264, 265, 266, et passim.

(2)- CF, Le Tableau des kurdes au temps eds sultans mamlouks que
V.Minoresky (les kurdes art , cit P.P I205-I206).

اولین بار از اروپا شکست خوردند و حکومت فارس روز بروز تضعیف می گردید و دیگر نمی توانست رقیب جدی به حساب آید. قسطنطنیه می ترسید که مبادا در قلمروهای کرد یک حکومت رقیب ایجاد شود لذا تصمیم گرفت تمامی مناطق کردنشین را متمرکز سازد و همین امر موجبات نارضایتی عمومی کردها را در مناطق کردنشین فراهم و در نتیجه خمیر مایه یک جنبش ملی کرد را در پایان جنگ جهانی اول پایه گذاری نمود. از طرفی دیگر مقامات ایران استقلال حکام کرد را که به دربار وابسته بودند به رسمیت شناختند و حکام لرستان و اردلان بخوبی گواه نفوذ فتودالیسم کرد در این دوره است. در خلال دوره فترت، در قرن هیجدهم که جنگهای نادر شاه مشخصه این دوره است کردها اثرات هرج و مرج طلبی را به خوبی تحمل نموده و پس از مرگ وی کریم خان زند که خود نیز کرد بوده از سال ۱۷۶۰ تا ۱۷۶۹ بر قسمت اعظم ایران فرمانروایی کرد.^۱ در این هنگام فقط حکام اردلان مستقل ماندند که آنها نیز تدریجا امتیازات خود را از دست دادند بطوریکه در سال ۱۸۶۰ یکی از قاجارها جانشین آنها شد. به تحقیق ثابت می شود که از قرن شانزدهم تا قرن نوزدهم هنگام تحکیم امپراطوریهای ترک و فارس توده های عظیم کوهستان نشین از یک طرف و رقابت های شدید خان های فتودال از طرف دیگر آنچنان موانعی را ایجاد نمودند که حکام کرد هیچگاه موفق به برطرف نمودن آنها نشدند.^۲

(۱)- Selon Le Cheref nameli 1,323, les Zands etaient un tribu kurde.
(۲)- شرف الدین خان تبلیسی در شرفنامه نقل می کند توافق و هماهنگی هیچگاه در میان قوم کرد که حاضر به اطاعت و تبعیت از یکدیگر نبوده. هیچگاه سر تعظیم در مقابل هم فرود نمی آوردند حکم فرما نبوده است.

فصل دوم

شورش‌های کردها در قرن نوزدهم

و حرکت ملی آنها در خلال جنگ اول جهانی

هنگامی که روسها کردها را در سال ۱۸۰۴ بر علیه نیروهای عثمانی تحریک و تهیج نمودند شورش آنان آغاز می گردد. در این ایام امیر بدرخان چندین بار قوای ترک را شکست داد. شورشهای بلباس Bilbas در سال ۱۸۱۸ که مدت اندکی ادامه یافت، عامل اصلی آن اتحاد بین کردهای چادرشین ایران (ایروان-نخجوان-خوی)، کردهای بایزید و وان بود که بوسیله قوای امیر لشکر ارزروم در هم شکست.

در سال ۱۸۲۶، حاکم سیواس رشید محمد پاشا ماموریت یافت با سران کردها مصالحه کند و حکام ترک را بر مسند قدرت بنشانند. در حوالی سال ۱۸۳۰ یک جنبش عظیم کرد در بسیاری از مناطق بوجود آمد سران آنها عبارتند از: بدرخان، سعید بگ، اسماعیل بگ، و محمد پاشای رواندوز. این سران ادعای استقلال می کردند و قوای محمد پاشا در سال ۱۸۳۳ بر اربیل و موصل استیلا یافت و به منظور استقرار قدرت بدرخان تا زاخو Zakho و جزیره Djezireh پیشروی نمودند. لکن در سال ۱۸۳۵ محمد پاشا بوسیله قوای عثمانی دستگیر گردید.

در سال ۱۸۳۶ شورشهای جدیدی موجب قتل عام هزاران کرد گردید. و در سال ۱۸۴۳ قیام نور البابگ هکاری بدرخان جزیره شروع شد و چهار سال بعد (۱۸۴۷) بدرخان و نورالله بگ هر دو

دستگیر و تبعید شدند.^۱

یزدان شیر با استفاده از مشکلات داخلی دولت عثمانی که از جنگ با روسیه ناشی می‌شد در سال‌های ۱۸۵۵-۱۸۵۳ در مناطق هکاری و بوتان قیام نمود و بر مناطق بتلیس و موصل و سپس بر تمامی سرزمینهای بین «وان» و بغداد تسلط یافت و نسطوریها نیز زیر پرچم او قرار گرفتند. در سال ۱۸۵۵ نامبرده قربانی توطئه سفارت انگلیس شد و در استامبول زندانی گردید.

جنگ سالهای ۱۸۷۸-۱۸۷۷ بدنبال قیام کردهای هکاری، بهدینان و بوتان سرکردگی پسر بدرخان و سپس، حرکت شیخ عبیدالله نهری بوقوع پیوست. هدف آنان تشکیل یک کردستان خود مختار زیر نظر دولت عثمانی بود و جرقه آن به سرحدات ایران تا مرز شمدنیان (ارومیه، بناب، مراغه) کشیده شد و حتی تبریز را نیز تهدید می‌نمود. این قیام فقط با مداخله ایران و ترکیه می‌توانست خاتمه یابد. حرکتهای آزادی بخش ملی کرد یک عنصر مجزا نبود بلکه در چارچوب کلی حرکتهای آزادی بخش که در قلب امپراطوریهای چند ملیتی توسعه می‌یافت مطرح بود. هنگامی که ملت‌های کوچک اروپائی از امپراطوریهای بزرگ اروپای مرکزی درخواست استقلال کامل می‌نمودند و برای کسب آن با دشمنان این امپراطوریه‌ها همکاری داشتند، در امپراطوری عثمانی مساله به شکل دیگری مطرح بوده است یعنی اگر یونانیها، بلغاریها، عرب‌ها و کشورهای مسیحی بطور کلی تا

(۱)- بدرخان بکندی Candie تبعید و در سال ۱۸۶۸ همان جا وفات یافت.

سال ۱۹۱۴ برای کسب استقلال می‌جنگیدند، ملت‌های مسلمان غیر ترک نمی‌خواستند امپراطوری عثمانی را ترک گویند و خواسته‌های آنان صرفاً به کسب حقوق ملی خود در قلب امپراطوری منحصر می‌شد. این حالت در مورد میهن پرستان عرب و جوانان ترک صادق است. بدنبال انتشار یک نشریه دو زبانه (کرد، ترک) بنام کردستان است که ارتباط میان پرچمداران نهضت ملی کرد مجدداً برقرار می‌گردد و خواسته‌های استقلال طلبانه آنها متبلور می‌شود. این روزنامه در سال ۱۸۹۸ در قاهره تاسیس و سپس به ژنوو بعد دبه، Folkstone، انگلستان و استامبول تغییر مکان داده و در خلال جنگ اول جهانی (۱۹۱۸-۱۹۱۴) مجدداً در قاهره به چاپ می‌رسید. نویسندگان آن که همگی از خانواده بدرخان بودند عبارت بودند از امیر مدحت، امیر عبدالرحمن و ثریا تغییر یافتند. از طرفی دیگر شیخ عبدالقادر روزنامه «Hetavi-Kurd» خورشید کردستان را در سال ۱۹۰۸ منتشر به ارگان «انجمن تعاون و پیشرفت» تغییر یافت.

اختلافات میان طایفه بدرخان و سادات نه‌ری بالا گرفت و در نتیجه چاپ روزنامه مذکور متوقف گردید. چون سازشی حاصل نشد لذا نهضت نیز پراکنده شد. بعد از این واقعه عبدالرزاق بدرخان در صدد درک نیات روسها برآمد و سپس راهی پاریس شد و در آنجا اقامت گزید و سایر اعضای خانواده مشارالیه نیز روانه مصر گردیدند. در سال ۱۹۰۹ جوانان ترک تشکیلات کرد را معدوم و مکتب «چنیرلی» را تشکیل دادند گروهی از دانشجویان و قضات کرد در سال

۱۹۱۰ تصمیم به ایجاد اولین حزب کرد بنام «Heiva ya kurde» ، امید کرد. گرفته و این حزب اقدام به نشر ماهنامه‌ای بنام «Roja Kurde» روز کرد، نمود.

فردای جنگ اول جهانی ترکیه خواست کردها را که از نیروی نظامی قوی برخوردار بودند بخود ملحق نماید. ابتدا با یک تبلیغات ماهرانه موفق گردید که به آنها بقبولاند تکلیف ملی آنان اینست که بر علیه متفقین وارد کارزار شوند و در همان حال سلطان راشد سیاست پان ترکسیم را تعقیب می نمود و تصمیم گرفت کردها را به مناطق کردنشین انتقال دهد؛ کردها از این سیاست دولت ترکیه حمایت نکردند. رؤسای کرد هموند «Hamamwend» و همچنین شخصیت‌های سلیمانی انگلیسها را برای تشکیل یک دولت موقت کرد به ریاست شیخ محمود برزنجی دعوت به همکاری نمودند. روز هفتم ماه ۱۹۱۸ نیروهای نظامی انگلیس شهر کرکوک را اشغال کردند. لکن تحت فشار ترکها که منطقه را در اشغال کامل خود داشتند و به انتقام جویی پرداخته بودند، انگلیسها ناگزیر نیروهای خود را از منطقه خارج و تا زمان ترک مخاصمه یعنی نوامبر همان سال به سلیمانیه مراجعت نمودند.

سیرآرنولد ویلسون Sir Arnold Wilson، کمیسر کشوری انگلیس با تمام قدرت از حکومت شیخ محمود حمایت می کرد و تمام کارکنان ترک و عرب را برکنار و کردها را به جای آنها منصوب نمود، معذک انگلیسها تصمیم گرفتند قسمتی از خاک کردستان را تحت کنترل مستقیم خود درآورند و دیری نپایید که کردها نارضایی

خود را از این تصمیم اعلام نمودند و در ماه می ۱۹۱۹ شیخ محمود یک سرگرد انگلیسی را دستگیر و زندانی نمود. انگلیسها نیز واکنش نشان دادند و آرامش منطقه بهم خورد؛ شش هفته وقت لازم بود تا مجدداً آرامش برقرار گردد. در این شرایط بسیار حساس آرنولد ویلسون تاکید کرد که حوادث اخیر عقیده وی را در مورد اعطای خود مختاری به کردها تغییر نداده است و بنظر او انگلستان بعلت موقعیت خاص جغرافیایی و استراتژیکی و همچنین منابع طبیعی سرشار لازم است کنترل شدیدتری را بر منطقه اعمال نماید.^۱ معذک حرکت از توسعه باز نایستاد و کردها که در دسامبر ۱۹۱۹ در مورد تمام مسائل حقوقی خود با ارمنیها موافقتنامه‌ای را در پاریس امضاء کرده بودند، از طریق نماینده خود ژنرال شریف پاشا به کنفرانس صلح جهانی شکایت نمودند.^۱ هر چند که عهدنامه Sevre، سور، کاغذ پاره‌ای بیش نیست حداقل فایده‌ای که داشت این بود که حرکت قاطعی در تحول مساله کرد ایجاد نمود.

(۱)- Sir A.Wilson . Mesopotamia, 1917-1920, Oxford

^۱ 1931.P.144.

^۱ (۱)- نماینده کردها در تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۱۹ و اول مارس ۱۹۲۰ دو یادداشت

حاوی خواسته‌های کرد و یک نقشه کردستان را به کنفرانس صلح جهانی ارائه نموده بود.

فصل سوم عهدنامه‌های سور Sevre لوزان Lausanne

الف - عهدنامه سور:

کنفرانس San.Remo، ایتالیا از تاریخ ۱۹ تا ۲۶ آوریل ۱۹۲۰ از سران متفقین تشکیل گردید تکفل انگلستان را درباره بین النهرین و فلسطین مورد تایید قرار داد. قرار شد انگلستان موصل را برای خود نگهدارد ولی ۲۵٪ منافع نفتی آنجا را به نفع فرانسه تضمین نماید. در میان کنفرانس‌های متشکله فقط کنفرانس سور پابرجا و در تاریخ دهم اوت ۱۹۲۰ به امضاء رسید. تفسیر و قضاوت درباره این عهدنامه از عهده ما خارج است. فقط در اینجا نکات برجسته چهارده مورد، معروف پریزیدنت ویلسون را درباره اینکه حقوق ملل به خودشان واگذار شود انتخاب می‌کنیم که بر اساس آن شرایط وجود یک کردستان خودمختار فراهم می‌گردد:

ماده ۶۲ قید می‌کند: «کمیسیونی ظرف شش ماه از تاریخ تصویب عهدنامه، طرح خودمختاری محلی مناطق کردنشین را تهیه

نماید.

قسمتی دیگر از مفاد عهدنامه که در ماده ۶۴ بیان گردیده یادآور می‌شویم:

قدرتهای بزرگ متفقین حق مداخله در پیوستن ارادی کردها به این دولت خودمختار را ندارند؛ منظور کردهای ساکن منطقه موصل می‌باشد. این عهدنامه که در مجموع خواست کردها را به (استثنای کردهای ایران) برآورد می‌نمود، هیچگاه جامه عمل به خود نپوشید و بجز عهدنامه اثری از آن برجای نماند. معذلک مصطفی کمال مفاد آن را مردود شمرد و لذا حوادثی را که منجر به حمله یونان به ترکیه و پیروزی ترکها گردید در اینجا بیان نمی‌کنیم و فقط به این مطلب که ترک مخاصمه مرمره در ۱۱ اکتبر ۱۹۲۲ مقدمه‌ای شد برای تشکیل عهدنامه لوزان اکتفا می‌کنیم.

ب- عهدنامه لوزان

بنا به پیشنهاد لرد کورزن Lord -Curzon در ۱۳ نوامبر ۱۹۲۲ کنفرانسی در لوزان تشکیل و چندین ماه بطول انجامید. ترکها بعزت خستگی از جنگهای مداومی که بدون وقفه از سال ۱۹۱۱ ادامه داشته شرکت در این کنفرانس را پذیرفتند؛ و بعلاوه ترکها روی پشتیبانی و حمایت احتمالی روسها به خاطر توافقی که در انکارا بین فرانسه و ترکها صورت گرفته و رقابت بین فرانسه و انگلیس را شدید می‌نمود حساب میکردند. و آنها امیدوار بودند با مذاکراتی که قبلاً با ایالات

متحدہ در مورد نفت داشتند سرانجام مورد حمایت قرار گیرند.

در این کنفرانس مسالہ کرد بہ حقوق ملی آنها در ترکیہ و تعیین سرنوشت موصل محدود شد. نمایندگان ترکها از این تز کہ کردہا و ترکها در حالیکہ با زبانهای مختلف تکلم می کنند و در سایر موارد از جملہ نژاد و ایمان و اعتقاد و رسوم و سنن با ہم اختلافی ندارند و بلوک^۱ واحدی را تشکیل می دهند؛ حمایت می کردند؛ معذک ترکها مخالف قبول ہر گونه تعہدی در قبال اقلیت کرد بودند.

سیاست انگلیس این بود کہ شہر موصل را جزو عراق نماید. در اکتبر ۱۹۲۲ نیروی عظیمی از اعراب بہ فرماندهی افسران انگلیسی و ہندی بہ سرزمین های مورد اختلاف در بین النہرین یورش بردند و هدف آنها ظاہراً^۲ دفاع از برادران و نجات دادن آنها از حملات خشونت بار ترکها بود^۳ و در نتیجہ شہر موصل بہ یک شہر عربی مبدل شد. در کنفرانس احزاب مخالف ملیت ساکنین منطقہ را مورد استناد قرار دادند؛ ترکها مدعی بودند کہ از جمعیت ۵۰۳۰۰۰ نفری منطقہ بدون احتساب اعراب بادیه نشین ۲۸۱۰۰۰ کرد و ۱۴۶۰۰۰ ترک و ۴۳۰۰۰ عرب و ۳۱۰۰۰ غیر مسلمان می باشند، با در نظر گرفتن اینکہ کردہا نژاداً ترک هستند ۸۵٪ جمعیت موصل ترک هستند. در حالیکہ انگلیسها مدعی بودند کہ جمعیت موصل ۷۸۵۰۰۰ نفر است

(1)- Conference de Lausanne discours dismet pacha a la seance du 23 Janvier 1923.

(2)- Anton Mobs the il war. P.P. 163 s44

که ۴۵۴۰۰۰ کرد و ۱۸۵۰۰۰ عرب و ۶۵۰۰۰ ترک و ۶۲۰۰۰ مسیحی و ۱۶۰۰۰ یهودی میباشند که کردها نیز ایرانی الاصل میباشند.

در نتیجه با درخواست نماینده فرانسه که خواهان ۲۵٪ از سهام کمپانی نفتی ترکیه بود مساله پیچیده تر شد. سرانجام لرد کورزن Lord Curzon تصمیم گرفت با نمایندگان آمریکایی که قبلاً وعده ۲۵٪ از سهام کمپانی نفتی ترکیه را داده بودند مذاکره نماید. این مانور سبب گردید که فرانسه از صحنه خارج و ترکیه که بعد از این از حمایت آمریکا محروم می شد و در انزوا قرار می داد سر تسلیم فروز آورد. حقیقتی است انکار ناپذیر که ترکیه با تسلیم شدن به انگلیس حاضر نبود از منافع اساسی خود که عبارت بود از عدم اجرای مفاد عهدنامه سور والغای رویه کاپیتولاسیون و حفظ قسمت مهمی از کردستان بود صرف نظر نماید.

از این لحظه به بعد عصر جدیدی برای کردها آغاز می گردد و مساله کرد به فرم جدیدی مطرح می گردد. و آن عبارتست از تقسیم کرد میان پنج دولت مختلف و بنابراین جنگ کردها صرفاً به خاطر کسب حقوق ملی نبود بلکه ناگزیر بودند برای پیوند و اتحاد مشترک بین خود تلاش کنند. این جنگ جامعی برنامه معلومی نداشت، زیرا کردها که در مقیاس یک دولت واحد قیام می کردند لکن هیچگاه با هم متحد و متفق نبودند؛ و همین امر را می توان از دلایل عمده شکست آنها در طول تاریخ دانست، معذک که برخی از دولتها تلاش نمودند تاکتیک های خود را بر علیه کردها هماهنگ نمایند و به همین دلیل است که تاریخ

ملی نهضت کرد بعد از عهدنامه لوزان به سال ۱۹۲۳ در ترکیه، ایران، روسیه، سوریه و عراق را به طور جداگانه مطالعه و بررسی خواهیم نمود.

فصل چهارم

مساله کرد در ترکیه

عهدنامه لوزان در ژوئیه ۱۹۲۳ برای ترکها یک عهدنامه موفقیت آمیزی به شمار می رود به خصوص برای مصطفی کمال. تمامی تعهداتی که ترکها در مورد کردها تقبل نموده بودند، هیچگاه اجرا نشد و از سال ۱۹۲۴ استفاده از زبان کردی در کردستان ممنوع اعلام گردید؛ و مقامات محلی، روشنفکران و سران کرد که بخاطر آزادی عقیده و ملی گرایی شهرت داشتند تبعید گردیدند.

شورش سال ۱۹۲۵

در ماه فوریه ۱۹۲۵ ارتش مقاومت ملی به سرکردگی سرهنگ خالد بگ رئیس قبیله جبهان و شیخ سعید پیران بر علیه قوای ترک واکنش نشان دادند و افسران، روشنفکران و رؤسای قبایل کرد به این نهضت ملحق شدند. شورش از کنج ·Guendj· ما بین آرگانا ·Arghana· و بتلیس ·Bitlis· شروع و بسایر قسمتهای منطقه سرایت نمود؛ بطوریکه در اواخر فوریه همان سال بیش از ۱۴ ولایت از قسمتهای مرزی از جمله ولایت قدیم دیاربکر، العزیز، کاربرت، وان، بتلیس و قسمت جنوبی ارزروم را) در بر گرفت. دولت ترکیه چون می دانست که این مساله گرایشی به تاسیس یک دولت خودمختار کرد دارد بلافاصله در مناطق بحرانی حکومت نظامی اعلام کرد و گروهها و دسته های فعال را

جابجا نمود و بر فشار خود بر منطقه افزود.^۱ در این اقدام دولت ترکیه مورد تقبیح و ملامت سایر قبایل کرد مخصوصاً گوران و گروههای واقع در شمال زاخو که در این شورش شرکت نداشتند قرار گرفت. شیخ سعید پیران و سرهنگ خالد بگک دستگیر و در دادگاه نظامی دیاربکر همراه با ۴۸ نفر از سران ملی گرای کرد محکوم به اعدام و در اوت ۱۹۲۵ حکم بمورد اجرا درآمد.

حوادث سالهای ۱۹۲۷-۱۹۲۸

فشار و سخت گیری خشونت بار ترکها احساسات ملی کردها را بیش از پیش جریحه دار نمود و در بهار ۱۹۲۷ یک کنگره مخفی در کوههای آارات تشکیل گردید. در این کنگره نمایندگان سازمانها، شهرها و دهات شرکت داشتند. آنها تصمیم گرفتند تا خروج کامل

(۱)- اثر ه.ث. آرمسترانگ، مصطفی کمال (گرگ خاکستری) که در سال ۱۹۳۳ به فرانسه ترجمه گردید: کردستان با آهن و آتش منهدم گردید؛ مردان شکنجه و بقتل رسیدند؛ روستاها به آتش کشیده شدند؛ خرمنها سوخته شد؛ بچهها ربوده و بقتل رسیدند؛ مصطفی کمال دادگاههای نظامی ویژه با اختیارات تام در این منطقه دایر نمود. این دادگاهها هزاران نفر را تبعید، زندانی و بدار آویخته و تمام منطقه را پاکسازی نمودند. ل. رامبو L. Rambout در اثر خود به نام: کردها و حقوق ص ۲۸ یاد آور می شود که در خلال سالهای ۲۸ - ۱۹۲۵، ۲۰۶ دهکده و ۸۷۲۸ خانه به آتش کشیده شدند و ۱۵۲۰۰ کرد به قتل رسیدند و در خلال این مدت تبعیدهای زیادی نیز به طرف دهکدههای ترک نشین صورت گرفت.

ترکها از مناطق کردنشین به جنگ ادامه دهند. ضمناً تصمیم گرفته شد با همسایگان ارمنی خود آشتی کنند.

در نهم ماه اکتبر ۱۹۲۷ حزب خویبون، استقلال، تاسیس گردید. این حزب کردهای قدیمی مانند کرد تالی سمیتی، کرد تشکیلات سمیتی، جمعیت ملت فرقه سی و کمیته استقلال کرد را شامل می شد.

یک سپاه به فرماندهی احسان نوری پاشا تبلیسی و یک واحد اداری به ریاست ابراهیم پاشا در آگری داغ (کوه آرازات) که به روی آن پرچم کرد را برافراشته بودند تاسیس گردید. دولت آنکارا با کردها وارد مذاکرات شد و در سپتامبر ۱۹۲۸ برای رؤسای کرد که اطاعت از دولت را پذیرفته بودند عفو عمومی اعلام نمود و پاره ای امتیازات شخصی به احسان نوری بگ داد ولی از خواسته های ملی آنان سخنی به میان نیاورد. نمایندگان کرد پیشنهادات دولت ترکیه را نپذیرفتند و لذا حکومت ترکیه به سلاح متوسل شد. دو لشکر ترک به فرماندهی صالح پاشا در حوالی آگری داغ متمرکز گردید. پس از نبرد شدیدی که میان آنها در گرفت ترکها مجبور به عقب نشینی شدند. و تصمیم به اذیت و آزار کردها گرفته و آنها را تا سرحد قحطی و گرسنگی رساندند؛ و کردها ناگزیر تسلیم شدند. پس از یکسال احسان نوری به ایران پناهنده شد. بدنبال این حوادث دولت ترکیه در ماه می ۱۹۳۲ قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن تمام سرحدات کردستان ترکیه به چهار منطقه تقسیم می شد. یکی از آن مناطق به دلایل بهداشتی، اقتصادی،

فرهنگی، سیاسی و استراتژیکی کلاً تخلیه و ممنوع اعلام گردید. این قانون نظام اجتماعی قبایل کرد را نیز متلاشی نمود. و تمامی حقوق مکتسبه (حتی حقوقی که قانون به آنها داده بود) را ملغی نمود. قدرت و نفوذ رؤسا، بگ‌ها، خانها و شیخ‌های کرد و همچنین ارگانها و مؤسساتی که قانوناً و یا بر اساس سنت و رسم و رسوم محل تاسیس شده بود ملغی اعلام گردید. و همچنین برای کسانی که به زبانی غیر از زبان ترکی تکلم می‌کنند ایجاد دهکده‌های جدید، محلات، تشکیلات صنعتی، کارگری یا سایر حرف ممنوع گردید. بر اساس تصمیم هیات وزیران، وزیر داخله حق داشت هر گونه دستجات را، حتی آنهایی که قبلاً وجود داشته‌اند متفرق و پراکنده نماید.^۱

بعد از این تاریخ است که ترک‌ها رسماً کردهای ترکیه را ترک‌های کوهستانی می‌نامند. صلاح الدین پسر شیخ سعید پسران که با وعده عفو از عراق به ترکیه آمده بود بازداشت و بوسیله دادگاه نظامی ارزروم محاکمه گردید. در سال ۱۹۳۳ پلیس بر علیه شیخ فخری که در حوالی دیاربکر زندگی می‌کرد وارد عمل شد. در سال ۱۹۳۵ توطئه‌ای در اسپار تا کشف شد که شیخ بادی اوز- زامان در آن شرکت داشت و در ژوئن ۱۹۳۵ مامورن مالیاتی منطقه موش اعتصاب نمودند.

شورش در سیم ۱۹۳۸-۱۹۳۷

قانون جدیدی که در چارچوب سیاست تحلیل کردها در جامعه ترک به تصویب رسیده بود تحرک قابل ملاحظه‌ای مخصوصاً در

(۱) با وجود اعتراضات بین المللی، قانون مزبور از تصویب گذشت.

منطقه 'درسیم' یعنی ناحیه‌ای که بیشتر از همه جا تحت تاثیر قرار گرفت بوجود آورد. این منطقه که تا آن زمان هیچگاه در شورشهای علیه دولت شرکت نداشته بود در برابر تبعیدهای سیاسی قویاً مقاومت نمود و نهضت مهمی تشکیل داد. در پاسخ شورش کردهای 'درسیم' و 'تنجلی' نیروهای نظامی قابل توجهی از ترکها بسیج شده و در ماه می ۱۹۳۷ منطقه را بمباران نمودند. چند ماه بعد جلال بگ وزیر داخله به پارلمان ترکیه اعلام نمود که دیگر مساله‌ای بنام مساله کرد وجود ندارد و تمامی راهزنان با توسل به زور متمدن شده اند. در واقع بعد از این جریانات است که دولت ترکیه متوجه گردید که بتنهایی از عهده این جمعیت شورشگر بر نمی آید. لذا دولت آنکارا تصمیم گرفت که از ایران و عراق به منظور اتخاذ سیاستی مشترک دعوت نماید. و به همین منظور در هشتم ژوئیه ۱۹۳۷ یک قرارداد حسن همجواری در کاخ سعد آباد تهران منعقد گردید و ترکیه، عراق، ایران و افغانستان متعهد شدند که متقابلاً امنیت مرزهای مشترک را تضمین نمایند.^۱

لکن ملی گراهای کرد معتقدند که هدف اساسی این قرارداد در هم شکستن کرد گرایسی بوده است. لوسیان رامبو

^۱ (۱) - ماده ۷ (قرارداد سعد آباد بتاريخ ۸ ژوئیه ۱۹۳۷) هر یک از کشورهای متعهد، ملزم به اتخاذ راه حل‌های مناسب در منطقه خود بر علیه تشکیل یا فعالیت گروه‌های نظامی، انجمن‌ها یا سازمانهایی که هدف آنان واژگونی، مؤسسات رسمی و اخلال در امنیت هر منطقه (مرز یا غیر مرز) سرحدات کشور دیگر بنمایند هستند.

Locien Rambout با اشاره به ماده هفت این موافقتنامه تایید می کند که فقط کردها هستند که می توانند هدف این ماده از موافقتنامه مزبور باشند.

موقعیت کردها در کردستان ترکیه بعد از جنگ دوم جهانی

موقعیت کردهای ساکن ترکیه نسبت به قبل چندان تغییر نیافته است. پیمان مشترک دولتهای ذینفع بر علیه کردهای یکی از عوامل اصلی پیوستن ترکیه به عهدنامه بغداد در بیست و چهارم فوریه ۱۹۵۵ بود و در دسامبر ۱۹۵۹ برخی از شخصیتهای برجسته کرد دستگیر و اندکی بعد دولت ترکیه قانونی را به تصویب رساند که به موجب آن حق داشت هر فردی و همچنین اعضای خانواده وی که به خاطر فعالیت ملی گرای مورد سوءظن قرار گیرد دستگیر و توقیف نماید. در نوامبر سال ۱۹۶۰ دویست و چهل و چهار نفر کرد بخاطر توطئه بر علیه امنیت حکومت دستگیر و مجرم شناخته شدند.

در آغاز شورش کردهای عراق، کردهای ترکیه در تهیه تجهیزات لازم برای آنها فعالانه شرکت نمودند و زنان و بچههای شورشیان را پناه داده و وسایل راحتی آنها را فراهم نمودند. حمایت و پشتیبانی کردهای ترکیه از کردهای عراق حرکت ملی گرایی کرد را در ترکیه متبلور نمود. در برابر عظمت این جنبش، موقعیت رسمی

کردها که آنها را به عنوان 'ترکهای کوهستانی' در نظر می گرفتند، تغییر ناپذیر بود. م دوگان کلیک 'A.Dogan Kilic' در مجله ترک زبان 'Bari Dunyassi' دنیای صلح که در اکتبر ۱۹۶۲ در استامبول به چاپ میرسید در شماره ۷ صفحات ۲۶-۲۷ اعلام می دارد که شرق (کردستان ترکیه)، با جنبه های مختلفش امروز یک مساله حساسی را ایجاد کرده و شدت آن ممکن است کشور ما را بلرزه درآورد. امروز هممیهنان کرد ما در مملکت بلوکی را تشکیل می دهند که نمی توان خصوصیات قومی و فرهنگی آنرا منکر شد. لذا ملزم هستیم به این که با تمام حسن نیت بپذیریم که امروز میلیونها نفر که زبان مادریشان کردی است در ترکیه ساکن هستند و در میان آنها عده زیادی هستند که بر اثر بی توجهی ما به زبان ترکی آشنایی ندارند، لذا باید دانست که زبان کردی جزو میراث فرهنگی ما است و بر ماست که آنرا نه با احتیاط بلکه با عشق و علاقه دوست بداریم و در تمام زمینه ها باید یار و مددکار کردها باشیم.^۱

در اواخر امسال کتابی به زبان ترکی به نام:

'Kurterin menesi ve Kurt dili incelememeleri'

ریشه نژادی کرد و مطالعاتی درباره زبان کردی در استامبول به چاپ رسید که در واقع گلچینی است. از مقالات: 'M.M.E.McCarus' ، 'V.Minorshy' ، 'Dofan Kilic' ، 'sihhensenanli' .^۲

(1)- Traduction de M.colombe dans orient, N° 24, 1962 P.P 153 157.

(2)- Edite par les Editions de Drsim istanbol 1963.

در دسامبر ۱۹۶۲ یک نشریه ماهانه به دو زبان (کردی ترکی) بنام Diccle Ferat در استامبول به چاپ رسید که مطالب آن کلاً به مسائل کرد اختصاص داشت و در آوریل ۱۹۶۳ تعدادی از دانشجویان کرد در استامبول تراکتهای موسوم به Reya Rast (حق حیات) که به زبان کردی نوشته شده همراه با ترجمه ترکی آن دریافت می نمودند^۱

خبرنگار نشریه «Vatan» وطن استامبول در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۶۳ مینویسد: «مطبوعات خارجی مملو است از جزییات مربوط به کردستان و نقشه جمهوری کردستان آزاد آینده که شامل قسمتی از آناتولی شرقی است در روزنامه ها به چاپ می رسد. لازم به تذکر است که در ترکیه مساله کرد بر روی عوامل اقتصادی، فرهنگی و قومی قرار گرفته است و راه حلهای تحمیلی را مد نظر قرار خواهد داد.

در بیست و هفتم ژوئن ن. حفظی اوگوزبکاتا N.Hifzi Oguz Bekata وزیر داخله ترکیه خبر دستگیری دوازده نفر که به جز دو نفر همه کرد ترکیه بودند به خاطر فعالیتهای جدایی طلبانه را به مطبوعات اعلام نمود. و در همین هنگام متوجه می شویم که ۴۹ نفر کرد از سال ۱۹۵۹ دستگیر و محاکمه آنها هم اکنون در جریان است.

(1)- Bulletin du centre dinformation pour le proche-orient,public
avril 1963-PP.12-13.

فصل پنجم

مساله كرد در ايران

برای درك و شناخت موقعیت کردها در ایران باید به طور اجمال به تاریخ مختصر این کشور را بررسی نمود زیرا تا هنگام ظهور اسلام، اقوام ایرانی دولتهایی را تشکیل دادند که کرد و فارس با هم و در کنار هم زندگی می کردند. بنابراین کردها مانند سایر ایرانیان خود را از انساب امپراطوریهای ماد، هخامنشی، پارتها و ساسانیها می دانستند؛ لذا از نظر کردها همکاری با فارسها کاملاً طبیعی است و حتی از لحاظ آداب و رسوم و سنن متقابلاً به حقوق یکدیگر احترام می گذاشتند؛ لکن اگر مذهب تشیع بطور ناگهانی مذهب رسمی صفویه ها اعلام نشده بود، محتمل بود که کردها در آغاز قرن شانزدهم از سلطان سلیم عثمانی بر علیه شاه اسماعیل جانب داری نمی کردند. و در نتیجه تمامی کردستان به همان صورت که در ابتدای تاریخ بوده از امپراطوریهای آریایی شرق خواه ماد، هخامنشی، پارت و ساسانی جدا نمی شد. قلمروهای کرد فقط اسماً به قدرت مرکزی وابسته بوده اند و شهرهای سنه، ساوج بلاغ، کرمانشاه همواره مراکز ادبی کرد بوده اند.

جز چند اقدام تلافی جویانه قدرت مرکزی که خواه از خود خواهی های چند شاه تازه به دوران رسیده به منظور حفظ پرستیژ و یا از بلند پروازیهای چند وزیر مفسده جو ناشی شده باشد اقدام دیگری صورت نگرفته و کردها عملاً از لحاظ آداب و رسوم و سنن از آزادی کامل برخوردار بودند و هر گاه که ملی گرایی فارسها رنگ ستمکارانه

به خود گرفته، ملی گرایی کردها نیز بیدار شده و از خود مقاومت نشان داده است؛ به عنوان مثال، در سال ۱۹۲۲ رضاخان بر علیه کردها وارد جنگ شد و دهها نفر از رؤسای قبایل کرد تبعید و یا زندانی شدند و اموال و دارایی آنها مصادره گردید. هر نوع تشکیلات کرد، اجتماعی ادبی یا اقتصادی ممنوع اعلام گردید. وقتی که اسماعیل خان شکاک در سال ۱۹۳۲ یک نیروی مقاومت ملی را در منطقه اوشنویه بر علیه دولت تشکیل داد در یک معرکه بدام افتاد و توسط پلیس به قتل رسید.^۱

پس از آن توافقی که میان دولتهای ترکیه و ایران به عمل آمده بود با ملاقات رضا شاه و مصطفی کمال در سال ۱۹۳۴ مورد تایید قرار گرفت و با انعقاد پیمان سعد آباد در سال ۱۹۳۷ که قبلاً بدان اشارت رفت تحکیم یافت.

(۱) - اسماعیل خان شکاک معروف به (سمکو) که به عنوان حاکم اشنویه تعیین شده بود بعد از انجام مذاکرات سیاسی میبایست هیات نمایندگی رسمی دولت را که برای تایید حاکمیت وی به محل آمده بودند تا خارج شهر مشایعت نماید. هنگام مراجعت نیروهای پلیس که در مدخل شهر قرار داشتند بر روی او همراهانش آتش گشودند. سمکو به عنوان قهرمان و سمبل جنگ به خاطر آزادی شناخته شد.

جمهوری مهاباد^۱

در دسامبر ۱۹۴۱ هنگامی که قوای روس و انگلیس وارد ایران شدند، نیروهای نظامی ایران بزودی متلاشی شدند؛ در نتیجه منطقه شمال غربی دریاچه ارومیه جزو بخش اشغالی روسیه و قسمت جنوب دریاچه ارومیه تا حوالی کرمانشاه خالی از نفوذ اشغالگران بود؛ دو تن از رؤسای کرد در بانه و مریوان اعلام استقلال نمودند؛ حکومت ناتوان ایران به ظاهر اقتدار حکمرانان مناطق مذکور را به رسمیت شناخت. لکن هنگامی که قوای نظامی ایران در سال ۱۹۴۵ تجدید سازمان یافتند، بلافاصله مناطق جنوب سقز، بانه و سردشت را اشغال نمودند. منطقه آزاد کوچکی که میان سرزمینهای اشغالی در جنوب بوسیله نیروهای ایران و در شمال توسط نیروهای روسی قرار گرفته بود اعلام استقلال نمود. بدین طریق اولین دولت کرد در مهاباد (ساوج بلاغ) با جمعیتی بالغ بر ۲۰۰۰۰ نفر تشکیل گردید.

برای آگاهی از تشکیل این دولت کوچک، لازم به توضیح است که در سال ۱۹۴۳ سازمانی مخفی بنام Komela Djiwanen kord، کمیته نهضت ملی کرد در ساوج بلاغ تشکیل گردید. و اثرات آن سرعت در ایران، عراق و ترکیه گسترش یافت. سران این سازمان که اکثراً از روشنفکران بودند چندان جوان نبودند و این مساله را از طریق مخالفت آنان با رژیم بخوبی توجیه می شود. هیجده ماه بعد آنان تصمیم

(1)- William Eagleton Jr, the kurdish republic of mahabad, Oxford university press, london, new york toronto 1963, 142 PP.

گرفتند که با جناح چپ حزب 'Hewa' (که بوسیله حمزه عبدالله - عونی یوسف و دکتر جعفر محمد عبدالکریم اداره می‌شد) و گروهی از کمونیستهای کرد جبهه واحدی را تشکیل دهند؛^۱ این جنبش که تا آن ایام بصورت مخفی اداره می‌شد، فعالیت خود را رسماً آشکار نمود و در ماه آوریل ۱۹۴۵ قاضی محمد قاضی عضویت در آن را پذیرفت. در اواخر سال ۱۹۴۵ به هنگام گرد همایی یک کنگره بزرگ از شخصیت‌ها و رؤسای قبایل، حزب دمکرات کردستان تاسیس گردید؛ و اهداف آن توسط بیانیه‌ای که به امضای قاضی محمد و پانصد تن از سران کرد رسیده بود انتشار یافت. هدف اصلی این سازمان تشکیل یک دولت کرد بود؛ لکن با امکانات محدود آن نمی‌توان بیش از اندازه توقع داشت. سپس 'مصطفی بارزانی' به ایران آمد و به این نهضت پیوست. افراد مسلح وی می‌بایستی هسته اصلی نیروی نظامی کرد را تشکیل دهند و خود او نیز با لقب ژنرال به فرماندهی قوای نظامی منصوب گردید.

اعلام جمهوری دمکراتیک آذربایجان در شمال، تهیه و تدارک مقدمات حزب را تسریع بخشید و در تاریخ ۱۵ دسامبر، قاضی محمد رسماً استقلال منطقه را اعلام نمود و پرچم ملی کرد طی مراسمی با حضور رؤسای قبایل، اعضای جدید حزب دمکرات کردستان و جمعی از افرادی که از اطراف و اکناف آمده بودند برافراشته گردید؛ و در

(1)- Walter laqueur, communism and nationalism in the middle east, london, 1957, P.228. cf page suivante: des extraits du Manifeste au peuple kurde.

تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۴۶ قاضی محمد به عنوان رئیس جمهور خود مختار کرد انتخاب گردید و بلافاصله دولت تشکیل و فرامینی به منظور تنظیم مسایل مالی-اداری-قضایی دادگاهها و تدوین قوانین و تشکیل قشون و تقسیم اراضی صادر و درباره مسایل اجتماعی تصمیمات لازم اتخاذ گردید. کتابهای درسی به زبان کردی چاپ و یک ایستگاه رادیویی نیز افتتاح گردید. روزنامه‌ها و کتابهایی نیز به زبان کردی انتشار یافتند.

سرانجام قاضی محمد راهی تهران شد و تقاضای خود مختاری اداری برای تمام مناطق کردنشین ایران نمود و همچنین درخواست نمود که کارکنان اداری و قوای نظامی از اهل محل تامین شوند. لکن هنوز مذاکره با نمایندگان کرد خاتمه نیافته بود که دولت ایران قوای نظامی خود را بر علیه آذربایجان و جمهوری کردستان بسیج نمود؛ حکومت محلی مهاباد سعی کرد مقاومت نماید. به هنگام پخش خبر حوادث کردستان شمال تعداد زیادی از کردهای خارج از کادر جمهوری مهاباد از جمله روشنفکران، روزنامه نگاران، نمایندگان مجلس ایران، طی یادداشتی خطاب به دولت ایران خواهان تشکیل شورای عالی کردستان (مرکب از شش عضو سه نفر کرد و سه نفر غیر کرد) شدند.^۱ در اوایل ماه ژوئن ۱۹۴۶ قاضی محمد شخصاً به خیر نگار .A.F.P. اعلام نمود: «اگر دولت ایران حقیقتاً تصمیم به اجرای

^۱ (۱)- یادداشت مزبور حاوی مطالب زیر بود: «مساله کرد فقط مورد علاقه افرادی که در پرتو تلاشهای خود توانسته موقعیتهای کسب کنند نیست بلکه مورد علاقه کردهای تمام مناطق ایران می‌باشد. و مساله کرد نمی‌تواند از طریق تصمیم یک جانبه دولت ایران حل شود. اقدام ما گوا» صادق احساس وفاداری ما نسبت به ایران است. امیدواریم دولت ایران از این شرايطی که پیش آمده بتواند به نحو احسن استفاده کند(به یادداشت درباره موقعیت و خواسته‌های کردها پاریس ۱۹۴۸ مراجعه شود).

قوانین دمکراتیک در سراسر ایران را دارد و قوانینی را که در حال حاضر در مورد آموزش زبان کردی در تمام مناطق کردنشین و همچنین خود مختاری اداری و تامین نیروی نظامی از محل در کردستان به اجرا درآمده به رسمیت بشناسد؛ کردها نیز قانع خواهند بود، دولت تهران این پیشنهاد را نپذیرفت و در نتیجه در ماه ژوئن ۱۹۴۶ مجدداً مهاباد با حکومت آذربایجان متحد شد و در نوامبر همان سال حکومت تهران به دموکراتهای آذربایجان حمله نمود. در پانزدهم دسامبر (فردای انتخابات عمومی) صدر قاضی برادر محمد قاضی و نماینده مجلس ایران که نقش میانجی بین برادرش و حکومت تهران را داشت به میاندو آب آمد و به ژنرال همایون اطلاع داد که کردها آماده هستند به طور مسالمت آمیزی ماموران دولتی را به منظور تضمین آزادی انتخابات آینده بپذیرند. در این هنگام به قوای ملا مصطفی بارزانی دستور داده شد سریعاً مهاباد را تخلیه و خاک ایران را ترک گویند^۱. دو روز بعد قلع و قمع شروع شد بطوریکه در ۱۷ سپتامبر به توقیف قاضی محمد و اعضای دولت خود مختار جمهوری مهاباد منجر شد. معذلتک ناظران خارجی که به مهاباد دعوت شده بودند تا بید می کنند که جمهوری مهاباد به راه افتاده بود و شهر مهاباد که تا آن

(۱) - در این هنگام است که حماسه خارق العاده ملا مصطفی و افرادش شروع می شود و با چند هزار افراد مسلح مجدداً به عراق برگشتند و در آنجا نیروی چندین برابر نیروی خود منتظر آنها بودند. ملا مصطفی در عراق به مرگ محکوم شده بود. هنگامی که یاران وی به مرز رسیدند بلافاصله تعدادی از آنان به زندان رفته و برخی نیز اعدام شدند و ناگزیر بسوی ترکیه سرازیر شدند و در آنجا بوسیله نیروهای ترک تعقیب شدند. در همین حال تصمیم گرفتند که مستقیم بسوی شمال بطرف قفقاز و مرزهای روسیه بروند. آنها پنجاه روز پیاده راه رفتند و سرانجام ملا مصطفی با پانصد تن از یاران خود موفق شد به روسیه برسد و در آنجا استقبال شایانی از وی بعمل آوردند.

ایام شهری بی رونق و غنوده بود، ناگهان به شهری زنده و سرشار از زندگی و فعالیت مبدل شد و کوششهای فراوانی به عمل آمد تا آنجا را بصورت پایگاه محکمی برای آموزش زبان کردی فراهم آورند.^۱

بلافاصله پس از سقوط جمهوری کوچک مهاباد، حکومت تهران، چاپخانه مهاباد را ویران و تمام کتابهایی را به زبان کردی چاپ شده بود آتش زده و آموزش زبان کردی نیز ممنوع گردید. سپس ایران به پیمان بغداد ملحق شد؛ بجز توافقی که روی اهداف کلی پیمان بعمل آمده بود هدف دیگر این پیمان را شرکت در هر مسأله‌ای که عامل مؤثری بر علیه جنبش ملی کرد باشد تشکیل میداد. در حقیقت دولت ایران در یازدهم اکتبر ۱۹۵۹ تصمیم خود را دایر بر شرکت در این پیمان اعلام نمود، تصمیمی که حداقل یک هفته وقت لازم بود تا به تأیید دو مجلس برسد.

اکنون ببینیم که انجمن دانشجویان کرد در اروپا موقعیت فعلی جامعه کرد ایران را چگونه توصیف میکنند؟^۲ در کردستان ایران هیچ روزنامه و مدرسه‌ای به زبان کردی وجود ندارد و منطقه کاملاً در اشغال نظامی است و همه مطیع پلیس و قوای نظامی هستند. و قوم کرد از هر گونه آزادی بیان، حقوق ملی و فرهنگی خود محروم هستند. تنها روزنامه کردی که در تهران بنام کردستان به چاپ می‌رسد در مناطق کردنشین توزیع نمی‌شود و این روزنامه اساساً برای کردهای خارج از

(1)- Archie roosevelt jr the kurdish Republic of mahabad.in Middle East journal avr1 1947.

(2)- Appel du 8 Janvier 1960 a la commission des droits .

ایران یک برگ تبلیغاتی بیش نیست. برنامه‌های رادیویی به زبان کردی از لحاظ فرهنگی چندان جالب توجه نیستند و صرفاً جنبه تبلیغاتی دارند.

ندای انجمن دانشجویان خواسته‌های کردهای ایران را به این شرح بیان می‌دارد:

- ۱- آزادی تمام زندانیان سیاسی کرد.
- ۲- اجازه نشر و اشاعه هر چه بیشتر روزنامه کردستان.
- ۳- اجازه چاپ و نشر روزنامه‌های دیگر به زبان کردی نه تنها در تهران بلکه در روستاهای کردستان و تضمین عدم ایجاد هر گونه نگرانی بعدی برای خوانندگان آن.
- ۴- افتتاح مدارس به زبان کردی در تمام شهرهای کردستان.
- ۵- شناسایی زبان کردی به عنوان زبان رسمی در مناطق کردنشین.
- ۶- اعطای آزادی بیان و پذیرفتن قومیت کرد در کنار قومیت فارس با حقوق برابر در چارچوب ایران.
- ۷- عدم تفکیک مناطق کردستان از لحاظ اداری. از جمله مناطق شمالی کردستان که در حال حاضر تابع آذربایجان غربی هستند و از سایر مناطق کردنشین مجزا می‌باشند و همچنین مناطق لرستان و بختیاری.
- سرنجام، هنگام از سرگیری جنگ میان نیروهای عراق و جریکهای کرد، دولت ایران سیاست انعطاف پذیری بیشتری را در

مقابل مساله کرد اتخاذ نمود و همین سياست سبب گرديد كه كردهاى ايران در شورش هممينانسان عليه عراق با پناه دادن دهها هزار زن و بچه آنان كه از ترس بمباران هوايى عراقىها فرار كرده بودند فعالانه شركت جويند.

فصل ششم

مساله کرد در روسیه و سوریه

نقش کردها صرفاً از لحاظ فرهنگی در کشورهای روسیه و سوریه بسیار شایان توجه است معذک و وجود جماعتی کرد در روسیه و در قسمتی از کردستان واقع در سوریه نقش ویژه‌ای به دولت‌های مذکور در مساله کرد داده است؛ اخیراً یعنی بعد از آخرین کودتای مارس ۱۹۶۳ سوریه و از سرگیری جنگ دهم ژوئن ۱۹۶۳ عراق دولتهای روسیه و سوریه در مساله کرد نقش مخالفی را ایفا نمودند.

مساله کرد در روسیه:

در حدود یکصد و شصت هزار کرد در ارمنستان و و آذربایجان شوروی زندگی می‌کنند این جامعه از لحاظ حقوق سیاسی و فردی با سایر اقلیت‌های ملی برابر و از حقوق مساوی برخوردارند. دولت روسیه تلاش وسیع و گسترده‌ای را به منظور توسعه زبان و فرهنگ کرد انجام داده است. بهمین جهت کردهای روسیه حقیقتاً در توسعه نهضت ملی کرد فعالانه شرکت دارند.^۱

^۱ (۱) - ولادمیر مینورسکی در بیستمین کنگره ملی شرق شناسی بروکسل در ۱۹۳۸ عنوان می‌کند که زبان کردی که وحدت عظیمی را در خصوصیات قومی و فرهنگی خود نشان می‌دهد به گروه شمال غربی زبانهای ایرانی متعلق است. معذک و وجود عناصر ناهمگن در لهجه‌های جدید می‌توانسته است وحدت خصوصیات قومی و فرهنگی آنان را نابود سازد؛ لذا اگر مؤلف درباره پاراگراف دوم همین صفحه از برابری حقوق سیاسی کردهای روسیه با سایر اقلیت‌های ملی صحبت می‌کند بهیچ وجه نمی‌توان آنرا با وضعیت کردهای ایران مقایسه نمود. زیرا نظام روسیه، (شوروی سابق) از مجموعه‌ای از اقلیت‌های قومی مختلف، نظیر کرد و ترک و تاجیک و ارمنی و غیره تشکیل شده بود که هیچگونه وجه مشترک قومی و زبانی با یکدیگر نداشته اند.

با وجود این کردهای روسیه اخیراً در برابر جنگ عراق با کردها موضع گیری نموده و گواه این مدعا اعتراضنامه مورخ ۱۵ ژوئن ۱۹۶۳ روشنفکران است که خواهان پایان بخشیدن به حملات نظامی در کردستان عراق است و اضافه می کنند در عصری که هر انسان آزاده ای بخاطر سعادت و خوشبختی انسانها می جنگد ، دشوار است که بپذیریم نهضت کردها توسط مثنی ارتجاعی و ناآگاه که بویی از انسانیت نبرده اند در نطفه خفه شود.

وانگهی اتحاد جماهیر شوروی به همان اندازه که موافق خودمختاری فرهنگی و اداری هریک از مناطق کرد نشین ترکیه، ایران و عراق است به همان اندازه موافق تشکیل یک کردستان متحد می باشد؛ معذک فقط در مرحله دوم جنگ نظامی ژوئن ۱۹۶۳ عراق است که روسیه برای اولین بار رسماً از کردها حمایتی کند. روسها با تمام دوستی و رابطه منطقی که با مردم عراق دارند حمایت کامل خود را در جنگ بحق که کردها به منظور کسب حقوق ملی خود آغاز نموده اند اعلام می دارد. به خاطر توسل به روشهای ترور و خشونت دولت عراق مسوولیت سنگین نتایج عملیاتی را که منجر به جاری شدن خون از عربها و کردها گردیده بعهده دارد.

اعلامیه آژانس خبری ناس در ۱۵ ژوئن ۱۹۶۳ که مطالب فوق از آن استخراج گردیده است مطالب پر ضمطراق زیرین را نیز در بر دارد: روسیه نمی تواند نسبت به آنچه که امروز در عراق می گذرد بی تفاوت باشد زیرا سیاست فعلی دولت عراق در برابر کردها، مذاکرات نیم بند

صلح را در خاورمیانه به مخاطره خواهد انداخت.

سوریه

کشور جمهوری سوریه، بیش از حد تصور گروه‌های اقلیت را در خود پناه داده است و در حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر کرد در قسمت شمال کشور و در جنوب کوهپایه‌های کردستان ساکن هستند و در خلال دو جنگ تعداد زیادی از کردهای ترکیه و عراق به کردهای سوریه اضافه شده و علاوه بر آن محلات کردنشین مهم در دمشق، حما و حلب وجود دارد.

حرکتهای ملی کردها در فرانسه با استقبال شایانی روبرو گردید و در نتیجه کردهای سوریه توانستند آزادانه به زبان کردی تکلم نمایند. اگر چه هیچگاه در آموزشهای رسمی از آن استفاده نشد و آنان همچنان در زندگی سیاسی سوریه شرکت نمودند.

ژنرال فوزی سلو، که خود از اکراد بوده به ریاست دولت رژیم دیکتاتوری نظامی انتخاب گردید و حسنی بگ برازی به عنوان رئیس مجلس شورا انتخاب شد. دو تن از دیکتاتورهای نظامی، مارشال حسنی زعیم و ژنرال ادیب شیشکلی و رهبر بعثی اکرام حورانی دورگه بوده اند. در سال ۱۹۵۴ خالد بگداش یکی از کردهای کمونیست محله کردنشین دمشق بعنوان نماینده پارلمان انتخاب گردید. مع الوصف مقامات سوری تحت رژیم جمهوری عربی متحده، از حوادث عراق بسیار نگران گردیده و سعی بر آن نمودند از هر گونه تجمع سیاسی کردها جلوگیری نمایند؛ همچنین در آغاز سال ۱۹۶۰ خبر دستگیری

تعداد زیادی از ناسیونالیستهای کرد و محکومیت ۳۲ نفر از آنها به مجازاتهای مختلف بخش گردید. اتهام آنها این بود که می‌خواستند در کشور عربی متحده یک دولت کرد تشکیل دهند. در ژوئیه ۱۹۶۱ مطبوعات لبنان خبر دستگیری نوری علی مسوول حزب دموکرات کرد در بیروت را انتشار دادند. بهمین طریق دستگیریها و محکومیتها روز بروز افزایش می‌یافت. روزنامه‌ها با تیر درشت در صفحه اول اعلام کردند، خطر کرد، اسرائیل دوم، نفوذ کرد سرحدات سوریه را در منطقه نفتی 'جزیره' تهدید می‌کند.

شورای وزیران به ریاست م. بشیر الزمه M.Bechir el Azmeh رئیس جمهور، تشکیل و در اوایل ژانویه ۱۹۶۳ تصمیم گرفت بر علیه کردهایی که از اصلاحات ارضی بهره مند نشده بودند سیاست استثنایی اتخاذ نماید.

کودتای هشتم مارس ۱۹۶۳ در سوریه همان حزبی را به قدرت رساند که یکماه قبل در عراق قدرت را بدست گرفته بود. دودولت عراق و سوریه از همان آغاز درباره مسایل کرد سیاست مشترکی را اتخاذ نمودند؛ اما طولی نکشید که ماه عسل آنها در دهم ژوئن به خصومت گرائید علی‌الخصوص برخی کمکهای نظامی که در جنگ بر علیه کردها به عراق می‌شد، چنانچه مشکلات داخلی نیروهای نظامی سوریه را فلج نمیکرد می‌توانست نقش بسیلر مهمی را ایفا کند. در حال حاضر منظور از کمک نظامی کمک نیروی هوایی است. و روزنامه لوموند Le Monde در چهاردهم ماه ژوئیه ۱۹۶۳ خبری را از منابع کرد

منتشر می کند و اعلام می دارد که نیروهای کرد یک هواپیمای سوریه را در ناحیه بامرنی (Bamerni) از ولایت موصل سرنگون کردند. محتمل است که به همان اندازه که همکاری دو دولت عراق و سوریه تحکیم می یافت، شرکت سوریه ها در جنگ بر علیه کردها نیز افزایش یابد.

فصل هفتم

مساله کرد در عراق

کردهای عراق خواهان اجرای مفاد عهدنامه سور بودند و در ماه سپتامبر ۱۹۲۲ شیخ محمود البرزنجی مجدداً اجازه یافت تا به سلیمانیه که قبلاً از آنجا تبعید شده بود برگردد و در اکتبر همان سال شیخ محمود خود را حکمران کردستان اعلام نمود. و تمبرهای پستی و مالیاتی با علامت دو خنجر بصورت ضربدر چاپ کردند و روزنامه Roje Kurdistan خورشید کردستان انتشار یافت که بعداً روزنامه Bange Hey نهای عدالت جایگزین آن شد. این استقلال مدت زیادی بطول نیانجامید زیرا پس از توافق‌هایی که میان محمود پاشا و انگلیسها صورت گرفت، نیروهای انگلیسی در سوم مارس ۱۹۲۳ سلیمانیه را بمباران و شیخ محمود ناگزیر به ایران گریخت. بار دیگر شیخ محمود به سلیمانیه برگشت و قصد داشت منطقه قلمرو خود را توسعه بخشد تا اینکه حملات جدید (۱۶ اوت تا ۲۵ دسامبر ۱۹۲۳ و ۲۴ می ۱۹۲۴) وی را مجبور به فرار نمود و به پینجویین پناهنده شدند که تمام تصمیمات عهدنامه سور که ظاهراً "نفع آنان تمام می‌شد جز یک کاغذ پاره بی‌اثر چیزی بیش نیست و با وجود تضمین‌های دولت عراق و

انگلیس آنها نتوانستند به حقوق حقه خود دست یابند اگر چه اعلامیه‌های رسمی مطابق با خواسته‌های آنان در عراق انتشار یافت.^۱

مساله ولایت موصل به سازمان ملل واگذار شد. این سازمان در سی و هفتمین اجلاسیه خود در ۱۶ دسامبر ۱۹۲۵ تصمیم گرفت که این ولایت را به عراق ملحق و تمامی کشور بمدت ۲۵ سال تحت نظارت انگلیس باقی بماند. سازمان ملل در تصمیم خود اضافه می‌کند که خواست کردها دایر بر تعیین کارکنان ادارات منطقه از میان کردها و امور قضا و آموزش در مدارس و همچنین برسمیت شناختن زبان کردی را مد نظر قرار دهد. موقعیت کردها که در عراق تحت تاثیر سیاست گام به گام دولت انگلیس قرار داشت بدین علت بود که هنگام رفراندوم درباره نامزدی امیر فیصل (شاهزاده خانواده هاشمی عربی سعودی) بر تخت سلطنتی عراق توده‌های عظیمی از کردهای منطقه سلیمانیه و کرکوک به او رای منفی دادند. ناراضایی قوم کرد از دولت عراق در سال ۱۹۲۹ آشکار گردید بخصوص هنگامیکه شش نماینده کرد عرض حالی به دولت بغداد ارسال و تقاضای تشکیل یک واحد اداری برای تمام مناطق کردنشین نمودند. پاسخ منفی نخست وزیر عراق و اخطار نماینده انگلیس که متضمن راه حل اساسی برای مساله کرد نبود شورشهای مهمی را در منطقه برانگیخت. این شورشها از سال

(۱)- بعنوان مثال در یک اعلامیه رسمی که در بغداد انتشار یافت چنین بیان می‌دارد: «دولتهای انگلیس و عراق حقوق کردهای ساکن عراق را بمنظور برقراری یک دولت کرد در مرزهای خود برسمیت می‌شناسد».

۱۹۳۰ تا سال ۱۹۳۳ برهبری بلافضل شیخ محمود برزنجی، شیخ احمد و ملا مصطفی بارزانی و شیخ شباه از قبیله سورچی ادامه یافت و در سال ۱۹۳۱ ده تن از شخصیت‌های برجسته سلیمانیه از جامعه مدلل درخواست کردند تا از تشکیل یک دولت کرد مجزا از عراق حمایت کنند. پاسخ سازمان ملل در این باره منفی بود و بلافاصله نیروی نظامی عراق در بحبوحه زمستان، منطقه بارزان را مورد حمله قرار داد. گرچه عراق در این حمله شکست خورد لکن بوسیله مزدوران آسوری و نیروی هوایی سلطنتی انگلیس دهکده‌های بارزان را بمباران نمود. افراد قبیله سعی نمودند با فرار به سرحدات ترکیه خود را از بمباران رهایی بخشند و در آنجا بخاطر جنایات مربوط به هیجده سال قبل هنگامی که ولایت موصل جزو ترکیه بوده آنها را بدون انجام هیچگونه تشریفات قانونی از طریق محاکمات تشریفاتی بدار آویختند.

آنگاه دولت عراق بر تعهدات خود دایر بر اشاعه و توسعه زبان کردی و همچنین انتخاب کارکنان اداری کرد برای منطقه عمل نکرد و تبعیضات کاملی بنفع اعراب حکم فرما بود در نتیجه مناطق کردنشین از لحاظ اقتصادی همواره در جا میزد و هیچگونه سرو سامانی نیافت. بی توجهی کردها سبب گردیده بود که یک سیاست سیستماتیک مشخص آنها را در حالت مادونی قرار دهد. سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۹ دوره آرامی بحساب می‌آمد و میتوان آنرا با سالهای ۱۹۳۰-۱۹۲۰ مقایسه نمود. در خلال این دوره چنین بنظر می‌رسد که کردهای عراق بدون هماهنگی کردن فعالیت‌های خود با هم میهنانشان در دولت همسایه

خود را به پیگیری جنگ با ترکیه قانع می کردند. و در این هنگام است که دولت عراق با ترکیه، ایران و افغانستان پیمان سعدآباد را منعقد نمودند.

فردای جنگ دوم جهانی، محور تلاشهای وسیعی برای جلب حمایت کردها و عربها بشمار می رود. در حالی که رشید عالی الکیلانی کودتای خود محوری خود را انجام می داد شیخ محمود از زندان بغداد گریخت و وفاداری کردها را به متفقین اعلام نمود و آنگاه انگلیسها بر تعداد کارکنان کرد در کردستان عراق افزودند. اما برگشت نایب-السلطنه که یکی از یاران انگلیسها بود به این جنبش پایان بخشید و در سال ۱۹۴۳ شیخ لطیف برزنجی پسر شیخ محمود ناچار شد که به ایران پناهنده شده و در آنجا با استقبال شایانی از طرف روسها روبرو شد. وی در منطقه لاهیجان استقرار یافت و یک نشریه ماهانه بنام 'Nichteman' میهن را در چهل صفحه منتشر نمود. اما در مورد ملا مصطفی برادر شیخ احمد بارزانی که در آن ایام در سلیمانیه تحت نظر بود، موفق شد نه تنها خود را از پلیس مخفی نماید بلکه تعداد زیادی از آنان را نابود کند. شرایط منطقه شمالی عراق در فردای جنگ دوم جهانی بسیار ناجور بود زیرا مایحتاج عمومی به دشواری بدست می آمد و دولت فقط توانسته بود مقداری قند و شکر در میان مردم توزیع نماید. لکن آنچه که شرایط را بحرانی می نمود، دستگیری تعدادی از کادرهای کرد بود که به کار اجباری محکوم شده بودند و ملا مصطفی نیز در بارزان علم طغیان برافراشت و نیروهای نظامی عراق موفق به خاتمه

جنگ شدند؛ لذا دولت عراق کنفرانس آستی را پیشنهاد نمود. مواد پیشنهادی ناسیونالیستهای کرد عبارت بود از:

- ۱- آزادی تمام زندانیان سیاسی
- ۲- کردها باید تمام نیروهای خود و همچنین سلاحهای را که از ارتش عراق به غنیمت گرفته اند حفظ نمایند.
- ۳- آذوقه باید بطور منصفانه در کردستان عراق تقسیم شود.
- ۴- کارکنان کرد باید جایگزین کارکنان عرب در منطقه کردنشین شوند.

۵- کردها باید از خود مختاری فرهنگی و آزادی تعلیمات برخوردار باشند. و مدارس و بیمارستانها در منطقه ایجاد گردد.

رژیم عراق با استفاده از بهبود اوضاع در منطقه تعهدات خود را زیر پا نهاد و پارلمان عراق نیز شرایط پیشنهادی کردها را رد نمود و چندین افسر کرد زندانی و تعداد زیادی از آنها نیز از ارتش اخراج شدند و تمامی مدارس و بیمارستانهای کرد به قرارگاههای نظامی تبدیل گردید. پس از این همه خیانت نهضت کردها مجدداً شروع گردید و میتوان آنرا بعنوان یکی از مهمترین شورشهای کرد قلمداد نمود. نیروی نظامی و هوایی عراق به ۳۰۰۰ سرباز و ۱۲۰۰۰ پلیس و ۲۵ هواپیمای شکاری و بمب افکن مجهز گردید. از طرف دیگر ملا مصطفی هم موفق گردید ۴ تا ۵ هزار افراد مسلح که در میان آنان افسران اخراجی و روشنفکران دیده میشدند بسیج نماید. در هفتم ماه اوت ۱۹۴۵ قوای نظامی عراق حملات انتقامجویانه خود را از ناحیه رواندوز در پنجاه

کیلومتری بارزان شروع کردند. در این واقعه در گیریه‌های خونینی صورت گرفت. ملا مصطفی ناگزیر به نیروهای خود دستور داد تا کوهستان را ترک نموده و بطرف ۱۰ اربیل بروند. در بیست کیلومتری شهر بود که نیروی هوایی سلطنتی انگلستان به کمک نیروهای عراق آمد. در واقع هدف آنها محافظت از چاه‌های نفت بود که بدست کردها افتاده بود. نیروی هوایی انگلیس پنج دهکده را کلاً با خاک یکسان نمودند و بارزان و پنجاه دهکده دیگر خسارتهای فراوانی دیدند. سپس ملا مصطفی تصمیم گرفت بسوی ایران سرازیر شود.^۱ در ژوئیه ۱۹۴۷ مقامات عراقی چندین نفر از یاران قدیمی ملا مصطفی را اعدام نمودند و در اکتبر همان سال نیروهای کرد به سرکردگی محمد خالد نوه ملا مصطفی جنگ را مدت دیگری ادامه دادند. در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ دولتهای عراق و ترکیه پیمان بغداد را امضا کردند. این عهدنامه پایه یک قرارداد نظامی منطقه‌ای

(۱) - ملا مصطفی و نیروهایش که در کوهستان سنگر گرفته بودند، می‌خواستند بر علیه حملات عراقیها و انگلیسیها مقاومت کنند، لکن در این هنگام حرکت آزادی بخش کردهای ایران به سرکردگی قاضی محمد در مهاباد شروع شده بود. ملا مصطفی اعتقاد داشت با همکاری نیروهای خود بتواند نیروی نظامی مهمی برای این جنبش تهیه نماید و به تحکیم این دولت جوان کمک کند. این مسئله بنفع تمامی کردها خواهد بود. به همین جهت به ایران خواهد آمد و نیروهای خود را در اختیار جمهوری مهاباد قرار داد.

(سازمان خاورمیانه ای M.E.T.O) گردید در چهارم آوریل بعد از اینکه انگلیس به این پیمان ملحق شد. پاکستان در سی ام ژوئن و در اکتبر همان سال ایران نیز به این پیمان ملحق شدند.

مسلمانان هدف این پیمان تشکیل گام شمال Northern Tier بر علیه اتحاد شوروی و ایجاد یک نیروی نظامی بمنظور الحاق O.T.A.N و O.T.A.S.E بود. لکن انگیزه این پیمان در آنچه که مربوط به ترکیه، ایران و عراق می شود همان چیزی است که کشورهای متفق پیمان سعدآباد را بهم متحد نموده بود و آن همان مساله کرد است.

یکی از اولین نتایج پیمان بغداد اقدام مشترک ایران و عراق در اوایل سال ۱۹۵۶ بر علیه قبیله کرد جوآنرود بود و دلایل آن در هنگامی که عراق بعد از انقلاب ژوئیه ۱۹۵۸ به نشانه دوستی عرب و ترک از پیمان بغداد جدا شد در کنتاریو Contario مشخص میگردد.

فصل هشتم

حوادث اخیر عراق

بعد از جنگ دوم جهانی، با وجود جست و خیزهای ناگهانی که بدنبال آن حوادثی بوقوع پیوست برای مناطق مورد نظر (ترکیه، عراق، ایران) دوره آرامی بشمار میرود و امواج عظیمی که قاره آسیا و آفریقا را بکلی دگرگون نمود این منطقه را کمتر تحت تاثیر قرار داد؛ لکن از سال ۱۹۵۸ به بعد دوره آرامش نسبی پایان رسید. انقلاب در کشورهای عراق، ترکیه و سوریه به تغییر رژیم‌های حاکم انجامید. و متخصص برجسته خاورمیانه ژنرال پیر روند و مساله کرد را بعنوان کلید مسائل خاورمیانه توصیف می‌کند.

در ژوئن ۱۹۵۸ دولت جمهوری متحده عربی برنامه‌های رادیویی به زبان کردی تشکیل داد که ابتدا در تهران سروصدای زیادی پیاورد. وانگهی بدنبال این برنامه‌ها و بمنظور توسعه بعضی از مناطق کرد نشین دولت ایران تصمیمات مقتضی اتخاذ نمود. سپس در عراق بخصوص در مناطق کردنشین مردم با توجه خاصی به این برنامه‌ها گوش فرامی‌دادند و در آنکارا محل برگزاری جلسات پیمان بغداد نیز از شورش قبایل کرد بسیار وحشت داشتند لکن در عراق مساله کرد سریعتر از همه جا متبلور شده و بصورت یک مساله اساسی مطرح می‌گردد؛ و انقلاب پیروزمند عراق نوید تحقق خواسته‌های کردها را به آنان می‌داد لکن دو گروهی که به قدرت رسیدند در حین مراجعه به تعهدات خود در قبال کردها، سعی بر تصفیه ناسیونالیستهای

کرد داشتند. کردها ناگزیر سلاح برداشته و هیچگاه آنها را از خود جدا نکردند.

جریان حوادث پی‌درپی رژیم ژنرال قاسم و رژیمهای جانشین وی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

رژیم ژنرال قاسم

ژنرال عبدالکریم قاسم در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ با یک کودتای نظامی به قدرت رسید و وحدت کرد و عرب را در انقلاب و در جمهوری جوان عراق اعلام نمود. و در تاریخ ۲۷ ژوئیه قانون اساسی موقتی را جایگزین قانون اساسی سال ۱۹۲۴ نمود. فصل اول ماده ۳ قانون اساسی به صراحت اعلام می‌دارد: جامعه عراق بر همکاری جمعی تمامی شهروندان و احترام به حقوق و آزادی آنان مبتنی است. عرب و کرد با هم متحد و قانون اساسی حقوق ملی آنها را در چهارچوب کشور تضمین خواهد کرد.

در دولت جدید تعداد زیادی از کردها شرکت داشتند. بابا علی فرزند شیخ محمود معروف سلیمانی به عنوان وزیر راه و ترابری و خالد نقشبندی از طایفه شیوخ دوهک به عنوان عضو شورای انقلاب انتخاب شدند.

لازم به یادآوری است که عبدالکریم قاسم از طریق خانواده مادری به کردها وابسته بود و در سیستم ژوئیه تعداد زیادی ناسیونالیستهای کرد را از زندان آزاد نمود و در میان زندانیان شاعر بزرگ گوران و شیخ احمد بارزانی (۸۰ ساله) برادر بزرگ ملا

مصطفی قرار داشت. آزادی آنها با استقبال شایان کردهای موافق رژیم روبرو شد.

ملا مصطفی بارزانی رهبر قدیمی کردها که بیش از ده سال در شوروی پناهنده بود اجازه یافت تا به عراق برگردد و رژیم جدید خانه‌ای ویلایی را در بغداد در اختیار وی قرار داد. مطبوعات کرد از چنان آزادی بیانی برخوردار گردید که تا آنوقت بی‌سابقه بود. نویسندگان و خبرنگاران پیروزی جمهوری کرد و عرب را جشن گرفتند.

حزب دموکرات کردستان عراق P.D.K.I. برنامه سیاسی خود را در اولین شماره اورگان خود بنام 'Xebat' با تاکید بر اینکه حبات از جمهوری آزاد عراق دفاع خواهد کرد و برای تحقق اهداف انقلاب ۱۴ ژوئیه در جهت حفظ منافع ملت تلاش خواهد نمود منتشر کرد.^۱

روزنامه یومیه جناح چپ افراطی بنام 'Ittehadach Chaap' اتحادیه چپ به تاریخ هفتم ماه می اظهارات حزب دموکراتیک کردستان را بطور گسترده‌ای به چاپ رسانده که تایید می‌کند حزب ما با در نظر گرفتن واقعیات انقلاب و انتظاراتی که از دولت دموکراتیک مان به رهبری عبدالکریم قاسم در زمینه حقوق ملی و تحکیم وحدت میان دو گروه قومی متفق که برای اجرای اهداف دموکراتیک و استواری جمهوری

(۱) - به ملحقات (ب) چکیده‌ای از برنامه حزب دموکراتیک کردستان عراق مراجعه شود.

و شکوفای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دست به دست هم داده اند در چارچوب کردستان عراق تلاش خواهد کرد.^۱

و حزب دموکراتیک متحد کرد در هر موقعیتی حمایت مجدد خود را از قاسم اعلام میکنند.

روزنامه خبات Xebat در ششم ماه می ۱۹۶۰ متن کامل نطقهای ابراهیم احمد دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک کردستان در کنگره حزب را به چاپ رسانده و اعلام می کند حزب ما در آغاز انقلاب، رهبری عبدالکریم قاسم را پذیرفته و با تمام توان از او حمایت می کند و این امر نه فقط بدان جهت که این رهبر به ملت عراق اجازه داده

^۱ (۱) - در فوریه ۱۹۵۹ عبدالکریم قاسم تصمیم به اصلاح کابینه نمود و جمعی از وزرای جناح راست محافظه کار را اخراج و در همان ایام سرهنگ عارف بخاطر توطئه بر علیه قاسم محاکمه و از طریق دادگاه نظامی ویژه بمرگ محکوم شده بود. کودتای وسیله طرفداران عارف و برخی از ملاکین که از انجام اصلاحات ارضی دولت ناراضی بودند در شرف تکوین بود. جمال عبدالناصر از این کودتا حمایت میکرد. عاملان توطئه قصد داشتند که کودتای خود را در موصل، شهری که بورژوازی محافظه کار و ملاکین چون شیخ الحکی و احمد ال اجیل را در خود پناه داده بود به اجرا در آورند جریان موصل در هفتم ماه می ۱۹۵۹ بوقوع پیوست، شکنجه ای که کمونیست های عراق در آن نقش عمده ای داشتند بسیار از آن سبوعانه تر انتقامی است که که هنگام بقدرت رسیدن عارف در فوریه ۱۹۶۳ مشاهده میگردد.

بدون قربانی زیاد به اهداف آزادی ملی خود نائل گردند بلکه ملت عراق (عرب، کرد و اقلیت‌های ملی) را از بی‌عدالتی‌های رژیم ارتجاعی و امپریالیسم نجات بخشید و همچنین نه بخاطر اینکه این رهبر معتقد به وحدت عراق در همکاری بین کرد و عرب و اقلیت‌های ملی برابر از لحاظ حقوق و تکالیف آن می‌باشد بلکه به این جهت است که این رهبر معتقد به حفظ عراق بعنوان یک الگو برای جنبش‌های رهایی بخش ملی در کشورهای همسایه است.^۱ لکن عبدالکریم بمحض تحکیم بخشیدن به قدرت خود، تدریجاً آزادی‌های دموکراتیک و امتیازات اعطای کردها را لغو نمود.

حزب دموکراتیک کردستان عراق در هشتم ژوئن ۱۹۶۱ به استناد ماده ۳ قانون اساسی موقت ژوئیه ۱۹۵۸ خواسته‌های کردها بشرح زیر مطرح می‌کند:

- ایجاد مدارس ابتدایی در کردستان عراق.
- تاسیس دبیرستان با آموزش زبان کردی.
- تاسیس دانشکده در کرکوک.
- تعیین و انتخاب فرماندار کرد در کردستان عراق.
- تاسیس یک ایستگاه رادیویی به زبان کردی در سلیمانیه.
- تاسیس یک آکادمی برای مطالعات کردشناسی.

(1)- Article traduit dans Articles Douments Publie par La Documentation Francaise bu 30 Juin 1960.

- تاسیس اداره کل آموزش در کردستان با همان عنوان که در حال حاضر در مناطق عرب نشین وجود دارد.

- احداث جاده به منظور رساندن محصولات کشاورزی کردها به تمام مناطق عراق (جاده‌های عراق در حال حاضر جاده‌های استراتژیکی هستند).

نه تنها هیچگونه پاسخ مثبتی به این خواسته‌ها داده نشد، بلکه بر عکس سیاست اختناق آمیز دولت روز بروز توسعه می‌یافت و در نتیجه ۵ روزنامه یومیه در بغداد (خیات · Xebat · صدا · Dang · کرد · Kurd · آزادی · Azadi · و کردستان) ممنوع‌الانتشار گردید و روزنامه - نگاران دستگیر و حزب دموکراتیک کردستان منحل و چند تن از اعضاء برجسته و سران آن نیز دستگیر گردیدند و در همان حال دولت بغداد قبیله زیباری · Zibari · (رقیب طایفه بارزانی) را مسلح و آتش سوزی روستاها افزایش یافت، در ۱۵ ژوئیه ۱۹۶۱ ملا مصطفی با ایل زیباری که از سرازیر شدن آنها به سرحدات ترکیه ممانعت می‌کردند به مقابله پرداختند.

رهبر کردها به کرات اعلام داشت که خواستار تجزیه و استقلال کردستان نمی‌باشد بلکه صرفاً خواهان خود مختاری در چارچوب دولت دموکراتیک عراق است. موضع گیری وی حمایت حزب کمونیست عراق را بدنبال داشت که در ۲۲ ماه اوت ۱۹۶۱ اعلام می‌دارد: «برای اینکه ملت عراق بتواند آزادانه بر سرنوشت خویش حاکم باشد لازم است که ملت کرد از حقوق ملی و قانونی خود

برخوردار شوند.^۱ و کمیته مرکزی این حزب در مارس ۱۹۶۲ اعلام می‌دارد: در شرایط فعلی تنها راه حل مساله کرد دادن خود مختاری به کردها در چهارچوب جمهوری عراق است.^۲

کردها اظهارات حزب کمونیست عراق را در رابطه با حل مساله کرد کافی نمی‌دانند و معتقد بودند که این اظهارات صرفاً جنبه تئوری دارد. بعلاوه تخمین حزب کمونیست این بود که اهداف ملی کردهای عراق از طریق جنگ در کوهستانها بدست نمی‌آید، بلکه این اهداف از راه تجمع مسالمت آمیز و مردمی که بر اساس وحدت مشترک کرد و عرب در جهت برقراری صلح در منطقه پایه گذاری شده باشد بدست خواهد آمد.^۳

برخورد نیروی نظامی

از سپتامبر ۱۹۶۱ تا هشتم فوریه ۱۹۶۳

در یازدهم سپتامبر ۱۹۶۱ ژنرال قاسم دو لشکر به مناطق شمال کشور گسیل و دهکده‌ها را بمباران نمود. تلفات این حمله در حدود هزار قربانی بود و در نوامبر همان سال به دو برابر افزایش یافت منابع دولتی گزارش می‌دهند که در بمبارانهای فوریه ۱۹۶۱

(1)- Saadi Ail, in Nouvelle Revue int.

(2)- Ali Jabber, in Nouvelle Revue interationale N° 8, aout 1962.

(3)- Tract date du 8 juillet 1962. Cite par Le Cipo du 10 Janvier 1963.

شصت دهکده ها^۱ ویران و هزاران نفر دستگیر گردیدند. طغیان کردها بر علیه دولت عراق بسرعت گسترش یافت و روستائیان و روشنفکران و سربازان کرد ارتش عراق در مقابل دولت صف آرایی کردند. در بهار سال ۱۹۶۲ نیروی ژنرال قاسم طعم اولین شکست بزرگ خود را چشید. علت این شکست اساساً این بود که ارتش عراق آمادگی جنگهای چریکی در کوهستانهای صعب العبور را نداشت؛ در حالیکه کردها از سرزمین خود از حقوقشان دفاع می کردند. پس از این واقعه نیروهای ملا مصطفی پیروزمندانه به پیشروی خود ادامه دادند و تمام مناطق شرق احمدیه رواندوز تا مرز ترکیه و ایران یعنی منطقه رانیه 'Renieh' در شمال زاب کوچک و بزرگ و شمال رودخانه دیاله و کوه سنجر را تحت کنترل خود در آوردند. شهرها و بخشهای متعددی بوسیله نیروهای ملا مصطفی محاصره شده و برای جلوگیری از بمباران هوایی، مردم بی دفاع از اشغال آنها خود داری می نمودند. وانگهی نیروهای عراقی که در این شهرها مستقر بودند در پادگانهای خود به محاصره در آمدند در حالیکه چریکهای کرد آزادانه در شهر می گشتند، ملا مصطفی در اعلامیه مورخ ۲۴ ماه می ۱۹۶۲ اعلام می دارد که پیشنهاد ژنرال قاسم دایر بر اعلام آتش بس و عفو عمومی مردود است و اضافه می نماید: ژنرال قاسم تنها مسئول واقعی این جنگ و است که باید جنگ را متوقف کند .

(۱) - بر اساس گزارش ملی گرایان کرد ۵۱۹ دهکده ویران گشت و لیست قربانیهای این جنگ از هزاران زن و کودک و افراد مسن تجاوز می نمود.

لکن کردها همراه با نیروهای مسلحشان آتش بس را با شرایط زیر خواهند پذیرفت:

- برقراری یک رژیم دموکراتیک مورد تأیید تمامی ملت عراق بجای استبداد فردی.

- به رسمیت شناختن خود مختاری ملت کرد با تضمین حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب جمهوری عراق.^۱

پیروزی کردها تدریجاً رژیم قاسم را تضعیف می نمود. وانگهی کردها متقاعد شده بودند، تا زمانیکه ژنرال قاسم بر مسند قدرت باشد حل اختلافات فی مابین غیر ممکن است. به این جهت است که با مخالفان رژیم ارتباط برقرار می کنند و از فوریه ۱۹۶۲ با مخالفانی که قصد بر اندازی رژیم قاسم را داشتند همکاری نمودند. لکن آنها از کردها خواستند تا در خلال و شورش آینده بیطرفی خود را حفظ کنند و سران کرد شرایط پیشنهادی خود را به این شرح اعلام داشتند: به رسمیت شناختن حقوق خود مختاری و حضور نمایندگان کرد در دولت. مخالفان در ماه اوت ۱۹۶۲ پیشنهادات کردها را پذیرفتند و در روز کودتا (۸ فوریه ۱۹۶۳) کردها اعلام آتش بست نمودند.^۲

(۱)- CF. Le Monde du 3-4 Juin 1962.

(۲)- در گزارش خبری «اریک رول» Eric Rouleau که در شماره های ۱۰-۱۱-۱۳-۱۴-۱۵- آوریل روزنامه لوموند به چاپ رسیده جزئیات بیشتری قید گردیده مخصوصاً در مقاله ۱۶ آوریل ۱۹۶۳.

دوره ترکِ مخاصمه

(از نهم فوریه ۱۹۶۳ تا دهم ژوئن ۱۹۶۳)

از متار که جنگ با توافقه‌ای قبلی دایر بر با به رسمیت شناختن حقوق خود مختاری کردها نتیجه‌ای حاصل نشد. قسمت اعظم سران جدید مخصوصاً حزب بعث که از اکثریت برخوردار بودند قویاً از امضای تعهدات اکراه داشت و دولت عراق بمدت یکماه طفره رفت، لکن رژیم جدید از هر سو تهدید می‌شد و از شروع جنگی پیش‌رس هراس داشت. بهمین دلیل در چهارم مارس تماس‌های کردستان و حتی با ملا مصطفی برقرار گردید. بعلاوه در هشتم مارس حکومتی مشابه حکومت بغداد در دمشق بر اریکه قدرت نشست.

مسلمانان زمان بر وفق مرادش پیش می‌رفت و فرماندهی شورای ملی انقلاب در بغداد به تاریخ نهم مارس در اعلام به رسمیت شناختن حقوق ملی کردها از خود تردیدی نشان نداد. و در ۱۱ مارس معاون شورای انقلاب عراق، صالح علی السعدی اعلام نمود: تصمیمی که ما اتخاذ ننموده ایم اولاً مطابق اصول حق حاکمیت ملت‌ها بر سرنوشت خود میباشد و ثانیاً ثمره یک تجزیه و تحلیل عینی از موقعیت فعلی عراق است. آنگاه کردها نمایندگانی به بغداد اعزام داشتند. رئیس این هیات سرهنگ جلال طالبانی طی مسافرت‌های خود به کشورهای عربی، موافقت سران عرب را از جمله جمال عبدالناصر و احمد بن بلا که رژیم‌های جدید عراق و سوریه خواهان اتحاد با آنها بود در جهت تحقق خواسته‌های کردها جلب نمود.

با وجود این در هشتم آوریل ۱۹۶۳ مذاکرات میان نمایندگان عراق، سوریه و مصر در قاهره شروع شد و در تاریخ هفدهم آوریل موافقتنامه‌ای به منظور تشکیل یک 'جمهوری متحده عربی' مشتمل بر سه کشور مذکور به امضاء رسید. کردها تقاضای شرکت در این مذاکرات را نمودند لکن بی نتیجه ماند. بدنبال این موافقتنامه کردها خود را در شرایط کاملاً جدیدی یافتند: قومیت کرد که می توانست جای مشخصی در کنار قومیت عرب در ملیت عراق داشته باشد به یک ملیت کاملاً عربی تغییر یافت. در برابر این شرایط جدید کردها ناگزیر در ۲۶ آوریل یادداشت مفصلی برای دولت عراق ارسال داشتند. برای اولین بار در این یادداشت حدود کردستان عراق^۱ و همچنین خواست کردها در تمام زمینه‌ها سرانجام سرنوشت آنها هنگام ورود احتمالی عراق در جمهوری متحده عربی دقیقاً مشخص گردیده است یادداشت مزبور رژیم را که در کردستان عراق باید مصدر امور گردد به این شرح توصیف میکند. یک شورای اجرایی و یک شورای قانونگذاری کرد مسئولیت تمامی امور مربوط به یک دولت محلی را بعهده گیرند. بعلاوه در خواست می نماید، نمایندگان از کردها در سازمانهای مرکزی که شامل: مجلس ملی، وزارتخانه‌ها کارکنان و حتی دانش آموزان مدارس و غیره می باشد به نسبت جمعیت حضور داشته و بالاخره

^۱ (۱) - سرحدات کردستان عراق عبارتند از: مناطق سلیمانیه، کرکوک، اربیل و مناطق مسکونی ناحیه موصل و دیاله.

توزیع نسبی منابع را درخواست می‌نماید.^۱ ناگهان در دهم ژوئن دولت بغداد اولتیماتی به کردها داد و از آنها خواست ظرف بیست و چهار ساعت سلاحها را بر زمین گذاشته و همزمان با آن با یک خود مختاری که اختیارات آن بعداً مشخص می‌گردد موافقت دارد. رادیو بغداد اعلام نمود که جایزه‌ای معادل ۱۰۰۰۰۰ دینار برای کسی که ژنرال بارزانی را بقتل برساند تعیین گردیده است. وانگهی حمله تهاجمی عراق سه روز قبل از اعلام التیماتوم شروع شده بود و جنگ دوباره آغاز می‌گردد.

نتیجه

تقریباً ۲۰٪ جمعیت کشورهای ترکیه، عراق و ایران که در مجموع بالغ بر ده میلیون نفر می‌باشد اقلیت‌های قومی کرد را تشکیل می‌دهند که در مناطق بهم پیوسته ساکن هستند. مساله کرد یک مساله اساسی است که وجود این اقلیت‌ها و جنگی که آنها برای کسب حقوق حقه خود براه انداخته اند آنها را مطرح می‌سازد و در حال حاضر جنگ بیرحمانه‌ای که بین کردها از یک طرف و دولت عراق از طرف دیگر در جریان است مهمترین عاملی است که مساله کردها را بطور

(۱)- در این باره میتوان اهمیت این درخواستها را در آنچه که مربوط به نفت است بر شمرد. زیرا معادل یک سوم درآمد نفتی کشور را دربر می‌گیرد. موضوع پیچیده است زیرا از یک طرف سه چهارم منابع نفتی در کردستان است لکن از طرف دیگر خروج نفت فقط در سرزمینهای عراق و سوریه صورت می‌گیرد.

عام مطرح و حتی در خود عراق بصورت یک موضوع سیاسی روز در آمده است.

جنگ عراق بر علیه کردها منجر به واژگونی رژیم قاسم گردید و ادامه آن در حال حاضر یکی از دلایل ضعف افزاینده رژیم جدید است. این جنگ نه تنها در ورای مرزهای عراق بلکه در تمام منطقه نقش مهمی را ایفا نموده و از انعکاس چشمگیری برخوردار است و اساساً کشورهای ترکیه، ایران، مصر و سوریه و از برخی جهات تمامی کشورهای منطقه را تحت نفوذ قرار می دهد.

اظهارات اتحاد جماهیر شوروی در یازدهم ماه ژوئن ۱۹۶۳ به این مساله جنبه بین المللی داده است؛ این اظهارات تحریکی بر علیه منافع اساسی آمریکا و سایر قدرتهای غربی بود و توجه سایر دول علی الخصوص آفریقای سیاه را به نتایج این درگیریها معطوف داشت و انعکاس در سطح بین المللی طنین انداز شد و عقیده عموم را بیش از پیش به شناخت مساله کرد و آگاهی از وخامت آن بخود جلب نمود.

مسئله باید بخاطر داشت که مساله کرد با درگیری نظامی کردها و دولت عراق کاهش نمی یابد و نباید فراموش کرد که بیش از ۸۰٪ از کردها خارج از عراق و قسمت عمده آن در ترکیه و ایران زندگی می کنند. پر واضح است که جنگ کردها بر علیه عراق در موقعیت کردهای کشورهای مذکور تاثیر بسزایی دارد. زیرا از طرفی نیروی محرکه ایست برای توسعه نهضت ملی آنها از طرفی دیگر ارضای خواسته های نسبی آنان در مورد خود مختاری تمایلات خود

مختاری طلبانه کردهای ترکیه و ایران را تقویت خواهد نمود. بعلاوه نباید از نظر دور داشت که گسترش جنگ نظامی و طبیعت نیروهای اجتماعی که بر له یا بر علیه کردها موضع گیری می کنند نتایج بسیار مهمی در مساله کرد خواهند داشت. اگر جنگ نظامی مدت مدیدی بطول انجامد و اگر کردها از حمایت نیروهای عرب عراق برخوردار نباشند ممکن است با فشاری فعلی آنها در تشکیل یک قومیت خود مختار در چارچوب دولت فدرال عراق، آنها را تسلیم گرایشهای افراطی که خواهان یک دولت مستقل در کردستان عراق باشد نکند.

همچنین اگر در سایر دول عرب بنفع دولت فعلی عراق صف آرای کنند، نهضت ملی کرد بجای پیوستن به جهان عرب برای کسب حقوق حقه خود در ترکیه و ایران به دشمن آنان مبدل خواهد شد. و سرانجام، مطمئناً کردها از حمایت ها و یا عنادهای بین المللی بی بهره نخواهند بود؛ اگر غربیها از آن حمایت کنند در نتیجه کردها نیز مانند ترکیه و ایران متمایل به غرب خواهد شد. و بر عکس اگر تنها از بلوک شوروی کمک دریافت کنند، به یک دولت دموکراتیک ملی و متحد با جهان سوسیالیست تبدیل خواهند شد؛ و چنانچه با دو بلوک متحد شود احتمال دارد که بصورت غیر متعهد باقی بماند.

مساله کرد که تا کنون بیان گردید همواره نقش فزاینده ای را در سرزمین کردها و کل این ناحیه در جهان بازی می کند. سرزمین کردستان با منابع طبیعی سرشار آن (منظور منافع نفتی است)، و

جمعیت محروم و توده‌های ینوا و تولید کننده آن و روشنفکران
 نخبه‌اش که امروزه در کشورهای مختلف پراکنده هستند. نیاز به نوعی
 وحدت و هماهنگی دارند که هیچگاه در طول تاریخ تحقق نیافته است
 و همین امر سبب گردیده که ابرقدرتها از ناهماهنگی موجود در بین
 آنها به نفع خود سود جسته و موجبات تفرقه و نفاق را در بین آنها
 فراهم نموده است.

ملحقات

الف- متن رسمی کامل مواد عهدنامه «سور» Sevre، در باره مساله کرد
 (بتاریخ دهم اوت ۱۹۲۰)

بخش سوم کردستان

ماده ۶۲- کمیسیونی مرکب از سه عضو از نمایندگان کشورهای
 انگلستان، فرانسه، ایتالیا در استامبول تشکیل و ظرف شش ماه از تاریخ
 اجرای عهدنامه خود مختاری محلی مناطق کرد نشین واقع در شرق
 فرات و در قسمت جنوبی سرحدات ارامنه و شمال مرز ترکیه و سوریه
 و بین النهرین را مطابق مواد ۲۷، ۲، ۳ عهدنامه تهیه و تنظیم نماید. و
 در صورت عدم توافق، اعضاء کمیسیون مساله را به دولتهای متبوع خود
 منعکس خواهد نمود. این طرح میبایستی برای حفاظت آسوری‌ها،
 کلدانیها و سایر اقلیت‌های قومی و مذهبی در محدوده این مناطق
 تضمین‌های لازم را در بر داشته باشد و بهمین منظور کمیسیونی مرکب
 از نمایندگان انگلیس، فرانسه، ایتالیا، ایران و کردها از منطقه بازدید

خواهند نمود تا در صورت نیاز به تغییرات لازم را در مرزهای ترکیه و ایران در برخورد با مفاد عهدنامه تصمیمات لازم اتخاذ نمایند.

ماده ۶۳- دولت عثمانی از هم اکنون ملزم به پذیرش و اجرای تصمیمات کمیسیونهای پیش بینی شده در ماده ۶۲ خواهد بود.

ماده ۶۴- اگر تا یکسال از تاریخ اجرای عهدنامه حاضر، کردهای ساکن مناطق مورد بحث در ماده ۶۲ از سازمان ملل تقاضا کنند که اکثریت جمعیت این مناطق خواهان جدایی از ترکیه هستند، در صورت تشخیص سازمان ملل دایر بر توان استقلال آنها و موافقت با این امر، ترکیه از هم اکنون ملزم به پذیرش توصیه سازمان ملل و صرف نظر از تمامی حقوق و عناوین خود در این مناطق می باشد، که جزئیات آن در عهدنامه ای ویژه بین کشورهای اصلی متحد و ترکیه مورد بحث قرار خواهد گرفت و در صورت توافق با این امر هیچیک از دول متفق حق مداخله در امر پیوستن ارادی کردهای ساکن ولایت موصل به این حکومت مستقل کرد را ندارند.

ب- چکیده ای از برنامه حزب دموکراتیک کردستان عراق:

(در نشریه عرب زبان الندال به چاپ رسیده و ترجمه آن در شماره ۱۳ سه ماهه اول سال ۱۹۶۰ مجله اورینت · Orient · منتشر شده است.)

ماده ۱- نام حزب · حزب دموکراتیک کردستان عراق · است.

ماده ۲- حزب ما یک حزب دموکراتیک انقلابی است که بیانگر منافع، کارگران، کشاورزان، کارمندان، هنرمندان و روشنفکران

انقلابی کردستان عراق است.

ماده ۳- در مبارزات سیاسی و در تجزیه و تحلیل های اجتماعی، حزب ما از دکتر نضریه یمن علمی مارکسیسم و لنینیسم پیروی می کند.

ماده ۴- مبارزه ما بخاطر حفظ جمهوری دموکراتیک عراق به منظور گسترش و تعمق بخشیدن به استعداد دموکراتیک آن بر اساس آزادی بیان و عقیده و آزادی مطبوعات و تشکیلات حزبی و سندیکایی برای شهروندان می باشد و همچنین مبارزه ما بخاطر به تصویب رساندن یک قانون اساسی مشخص که انتخابات آزاد و مستقیم را برای همه شهروندان اعم از زن و مرد که به سن ۱۸ سال کامل رسیده باشند، تضمین نماید و نیز بخاطر اتخاذ تصمیمات جدی و قاطع بر علیه دشمنان جمهوری از طریق پاکسازی نهادهای نظامی و کشوری و تحکیم بخشیدن به قدرت دفاعی نیروهای نظامی در حفظ و حراست از سازمانهای مردمی می باشد.

ماده ۵- الف- جنگ ما برای حفظ صلح جهانی و جلوگیری از تنش های بین المللی است. ولی در عمل از نتایج کنفرانس باندوگ Bandocang و قوانین سازمان ملل و اصول همزیستی مسالمت آمیز الهام می گیریم و خواهان حل مسائل بین المللی از طریق مذاکره و همچنین ممنوعیت سلاحها و آزمایش های هسته ای می باشیم.

ب- سیاست ملی ما یک سیاست ضد امپریالیستی است، زیرا بنظر ما امپریالیسم به عنوان یک خطر جدی عراق و ملت کرد را تهدید

می‌کند. لذا خواهان الغاء تمامی آنچه که حدود و ثغور و استقلال عراق را خدشه دار سازد می‌باشیم. و نیز خواهان روابط دوستی محکم با کشورهای جهانی علی‌الخصوص بلوک سوسیالیست بر اساس رعایت حقوق طرفین می‌باشیم و همچنین خواهان اجرای یک سیاست برادری در قبال کشورهای متحد عربی و بلوک آفریقایی، آسیایی بوده و از جنبش‌های آزادی‌بخش که بخاطر استقلال و کسب حقوق خود گردانی مبارزه می‌کنند حمایت می‌کنیم.

ماده ۶- مبارزه ما بخاطر تحکیم روابط برادری ملت‌های عرب و کرد و اقلیت‌های قومی: آسوری، ترکمن، ارمنه و غیره بوده و در جهت ایجاد وحدت ملی و پیشبرد حقوق حقه قوم کرد بر اساس خود مختاری داخلی در چارچوب وحدت عراق و ثبت آن در قانون اساسی تلاش خواهیم نمود. و نیز بر علیه شونیسیم 'Chauvinisme' و جهان وطنی 'Cosmopolitisme' و جدایی طلبی 'Separatisme' مبارزه خواهیم کرد.

ب- مبارزه ما بخاطر تحکیم روابط برادری، دوستی و همکاری با حزب کمونیست عراق، حزب ملی دموکراتیک و سازمان‌های دموکراتیک پیشرو بوده و بخاطر ایجاد وحدت مبارزه میان حزب ما و سایر احزاب کمونیست و سازمان‌های دموکراتیک پیشرو جهان است.

ماده ۷- ما تلاش می‌کنیم تا اینکه قوم کرد حق حضور و شرکت در تمام خدمات دولتی و کلیه مؤسسات نیمه رسمی را داشته و بتواند به نسبت جمعیت و با در نظر گرفتن حقوق اقلیت‌های ساکن

کردستان از مشاغل عمومی بهره مند گردد.
مواد ۸ تا ۲۰ معیارهای تحسین آمیز اقتصادی و اجتماعی را به تفصیل بیان می کند.

ماده ۲۱- حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی اقلیت های قومی آسوری، ترکمن و ارمنی کردستان باید از طریق ایجاد مدارس مخصوص بخود و تجدید حیات ملی بیشتر آنها و حفظ منافع و تضمین کامل برابری آنها، برادران کرد در تمامی زمینه های زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ماده ۲۲- برای اینکه ماده ۱۹ قانون اساسی موقت در قانون اساسی نهایی بوده و همچنین این ماده در مورد پناهندگان سیاسی کرد که به دلیل جنگ رهایی بخش ملی خود به عراق مهاجرت نموده اند به اجرا درآمده و پناهندگان بایستی کمکهای لازم را از جمهوری دریافت دارند.

ماده ۲۳- ما از جنگ قوم کرد در قسمتهای مختلف کردستان به منظورهایی از یوغ امپریالیسم و ارتجاع حمایت می کنیم و نیز تلاش برای کسب حقوق ملی کرد در خود گردانی است.

ج- یادداشت کردها
که در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۶۳ بعنوان اساس مذاکره در مورد آینده کردستان بدولت عراق ارائه شده است.

دیباچه

برادری کرد و عرب به منظور تحکیم روابط پایدار و عواملی که از ظهور اسلام تا کنون آنان را بهم پیوند داده و همچنین ایشارگری صادقانه به منظور همزیستی کرد و عرب ادامه نخواهد یافت مگر اینکه اساس این همزیستی را بر پایه محکم و استوار بنا نهاد. و در صورت امکان بر اساس واقعیتهای تاریخی.

بهترین پیوند میان ملت‌ها صرفاً از طریق وحدت برادری خود جوش بوجود می‌آید و تنها از این راه می‌توان به ادامه و شکوفایی و توسعه روابط کرد و عرب مطمئن بود و یک پیوند ناگسستنی آنچنانی را فقط از راه جنگ و با ایجاد مشکلات و خصومت میان ملت‌ها از هم پاشید؛ زیرا وحدت و برادری هنگامی جامه عمل بخود می‌پوشد، که بر اساس به رسمیت شناختن صریح و کامل حقوق ملت‌های همزیست و توانایی آنها در اجرای خواسته‌های ملی دموکراتیک خود در چارچوب کلی این اتحاد باشد. تاریخ نشان داده که وحدت ارادی ملت‌ها از بهم پیوستن و یا جذب اجباری قویتر و یا محکم تر است. بدیهی است وحدت ارادی توسعه و تکامل می‌یابد در حالیکه بهم پیوستگی الزامی بتدریج پژمرده و نابود می‌شود.

تاریخ همچنین نشان می‌دهد وحدت دولت بر پایه اتحاد ارادی می‌تواند محکم، استوار و شکوفا و پایدار بماند، برعکس اگر اتحاد دولت بر اساس جبر و زور بنا شده باشد ضعیف و هر آن محکوم به

فناست.

قدرت ملی دولتهای جدید بر این واقعیت استوار است که ملیت‌های برادر در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در دولت فدرال سهم باشند. در حقیقت این روش بهترین تضمین ادامه حیات وحدت آزادی آنها خواهد بود.

قدرت ملی عصاره و پایه محکم اتحاد را تشکیل می‌دهند. کشورهایی چون سویس، یگوسلاوی، چک اسلوواکی، فدراسیون هند و نیجریه، تمام آنها عالیترین نوع اتحاد ارادی را به نفع همه و حتی از لحاظ وحدت خود دولت اجرا نموده‌اند. منافع این نوع وحدت متعدد و پر محتوا است. تا آنجا که سایر ملل آنرا بعنوان بهترین نوع دموکراسی تلقی می‌کنند. این حالت در مورد جمهوری متحد عربی که از سه کشور عربی تشکیل یافته صادق است.

بدین طریق ملیت‌های برادر که در یک دولت واحد زندگی می‌کنند توسط مشاورین مخصوص قانونی و اجرایی از حقوق ملی خود برخوردارند. عناصر تشکیل دهنده این دولت نه تنها وحدت آنرا حفظ میکنند بلکه آنرا بطور گسترده‌ای تأیید و تحکیم می‌بخشند. در پرتو این واقعیتهای میتوان گفت که برای اجرای خواسته‌های بحق ملی قوم کرد و با ایثار گری و صداقت در برابر وحدت ملی مردم عراق که می‌خواهیم به آن نیرو، ثبات و خوشبختی بخشیم قبول این طرح گام مهمی در تحکیم واقعی وحدت عراق و تأیید برادری عرب و کرد خواهد بود. امیدواریم که دولت فعلی عراق، اصول عقایدی را که

سران حزب خواهان آن هستند، یعنی اصول حقوق اقوام در خود گردانی و برادری عرب و کرد اجرا نموده و به آن جامه عمل ببوشاند.

متن پیشنهادات کردها

۱- جمهوری عراق از دو دولت اصلی عرب و کرد که از حقوق برابر برخوردار خواهند شد تشکیل می‌گردد. هر دو ملت خواسته‌های خود را بر اساس حقوق خود گردانی بیان نموده اند.

۲- قانون اساسی عراق باید شامل موادی مربوط به مجلس عالی قانون گذاری ریاست جمهور و دولت باشد، و همچنین شامل موادی به منظور تشکیل یک کمیته ملی باشد که کردها امکان تحقق بخشیدن به حقوق حقه خود از لحاظ قانونی، اجرایی و حقوقی در منطقه کردستان را می‌دهد.

۳- مواد زیر از اختیارات دولت مرکزی خواهد بود:

- رئیس دولت

- امور خارجه

الف- نمایندگان سیاسی، کنسولی و تجاری.

ب- موافقتنامه‌ها و قراردادهای بین المللی

ج- سازمان ملل

د- اعلام جنگ و پذیرش صلح

- نشر اسکناس

- امور فنی

- گمرکات

- بنادر و فرودگاههای بین المللی

- پست، تلگراف، تلفن

- راه آهن و راههای اصلی

- مسائل شهروندی

- تنظیم بودجه ملی

- نظارت بر فرستنده‌های رادیو تلویزیون

- انرژی اتمی

۵-۳ سهم کردستان در کمکها و وام‌های خارجی که دولت

عراق دریافت می‌کند به نسبت جمعیت کل خواهد بود.

۵-۴ وام‌های داخلی، وام‌های غیر نظامی و کمکی که خود

کردستان تهیه خواهد نمود.

۵-۵ صادرات تنباکو، محل سرمایه گذاریها و جنگلها.

۵-۶ کردستان باید به نسبت جمعیت از مؤسسات، سازمانها و

طرحها و خدمات اداری و درآمد ملی بهره مند گردد.

۶- کردستان شامل مناطق سلیمانیه، کرکوک، اربیل و کاراس و

ناحیه موصل و دیاله که بیشتر ساکنان آن کرد هستند می‌باشد.

۷- به همان طریق که ریاست جمهوری انتخاب می‌شود معاون

او نیز از طرف کردستان و از میان کردها انتخاب و معرفی می‌شود.

۸- به منظور حفظ وحدت ملی، قانون اساسی باید حقوق

فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منطقه کردستان و همچنین آزادیهای

دموکراتیک و مذهبی گروه‌های اقلیت شهروند ترکمن، آسوری، کلدانی و ارمنی و سایر فرقه‌های مذهبی را برابر با حقوق ملت‌های عرب و کرد تضمین نماید و نیز نمایندگانی در مجلس قانون گذاری و شورای اجرایی به نسبت جمعیت برای تمام گروه‌ها در نظر بگیرد.

مواد کلی

۱- تعداد نمایندگان کردستان در مجلس ملی به نسبت جمعیت منطقه در رابطه با جمعیت کل عراق خواهد بود.

۲- تعداد وزراء در کابینه دولت مرکزی نیز به همان نسبت خواهد بود.

۳- تعداد کارکنان کرد در وزارتخانه‌های مرکزی نیز به نسبت جمعیت می‌باشد.

۴- تعداد دانشجویان کرد در دانشگاه بغداد در مؤسسات عالی به نسبت جمعیت خواهد بود و ضمناً "بورسهای اعطای دول خارج و دولت عراق به نسبت جمعیت بین دانشجویان کرد تقسیم خواهد شد.

۵- یکی از آجودانهای فرمانده نظامی کرد خواهد بود.

۴-۱ قوم کرد از طریق شورای اجرایی که از بین نمایندگان مجلس قانون گذاری که از مسیر انتخابات آزاد و برای مخفی ساکنان کردستان انتخاب خواهد شد و از حقوق ملی خود برخوردار میگردند.

۴-۲ دولت ملی (محلی) در صورت تصویب ماده ۲ مسئولیت موارد زیر را بر عهده خواهد داشت:

قضاوت، امور داخلی، امور اجتماعی، تعلیم و تربیت، سرمایه

گذاری و برنامه‌های عمرانی و تمام مواردی که خارج از اختیارات دولت مرکزی است.

۳-۴ مجلس قانون گذاری از طریق قوانین مربوطه حقوق مذکور در پاراگراف (۲-۴) را اجرا خواهد نمود. همچنین این مجلس رئیس شورای اجرایی را انتخاب نموده و از اختیارات قانونی دایر بر عزل و نصب رئیس و اعضای شورا برخوردار می‌باشد.

۴-۴ شورای اجرایی ابتکار عمل را در مورد سازمانهای ملی مندرج در بند ۳-۴ بدست گرفته و قوانینی را که شورای قانون گذاری و یا حکومت مرکزی در مورد کردستان به تصویب می‌رساند بطور مؤثر اجرا نماید و کارمندان سازمانهای اداری و خدماتی منطقه را تعیین نمود و در مقابل شورای قانون گذاری مسوولیت تمامی امور مربوطه را بعهده خواهد گرفت.

- اعتبارات مالی سازمانهای ملی منطقه کردستان از طریق منابع زیرین تامین خواهد شد:

۱-۵ از طریق منابع محلی، مالیاتهای دریافتی از کردستان.

۲-۵ سهم کردستان نسبت به جمعیت کل عراق.

- از درآمد نفتی، گمرکات، فرودگاهها، بنادر، درآمد ارزی و بانکی، راه آهن، پست، تلگراف و تلفن.

پس از کسر هزینه‌های زیرین:

- ریاست جمهور، وزرای دفاع، امور خارجه، کارشناسان،

هزینه‌های وزارت نفت، پست و تلگراف و تلفن، مدیریت سرمایه

گذاری، هزینه‌های راه آهن و جاده‌های عمومی به نسبت طول راههای کردستان در مقایسه با طول راههای عراق.

۶- ارتش عراق سهم فعلی خود را حفظ خواهد نمود و در صورت تغییر نام برای قسمت کردستان اسم 'فیلق' Failay، سپاه کردستان را انتخاب خواهد نمود.

۷- پسران کرد خدمت خود را در ارتش عراق انجام خواهند داد و افسران و درجه‌داران کرد که بدلائیل سیاسی ملی اخراج شده اند مجدداً به خدمت عودت داده می‌شوند.

۸- در مدارس نظامی، پلیس، فرماندهی، هواپیمایی و سایر مؤسسات نظامی تعداد دانشجویان کرد به نسبت جمعیت خواهد بود.

۹- در صورت احتمال حمله بیگانه و یا تهدید واقعی دشمنان خارجی بر علیه جمهوری عراق دولت مرکزی ملزم به اعزام نیروهای کمکی به منطقه خواهد بود و در سایر موارد جلب موافقت شورای قانون گذاری و اجرایی کردستان لازم و ضروری است.

۱۰- هجوم نظامی ارتش عراق به منطقه کردستان باید با موافقت شورای قانون گذاری و یا بر اساس تقاضای شورای اجرایی صورت گیرد.

۱۱- در صورت پایمال نمودن حقوق ملی کرد و یا جلو گیری از برخورداری از آن کلیه قوانین مربوط باطل و کان لم یکن تلقی خواهد شد.

۱۲- اعلام حکومت نظامی جز در موارد اعلام جنگ و یا

احتمال وقوع حمله خارجی باید با موافقت شورای قانون گذاری صورت بگیرد.

۱۳- یکی از وزرای فعلی کرد، باید مامور تشکیل شورای اجرایی موقت دایر بر انجام امور موقت شورا گردد و انتخابات شورای قانون گذاری نباید بیش از چهار ماه از تشکیل شورای موقت تجاوز نماید.

۱۴- اثرات صدمات وارده دولت بر افرادی که در جنگ کردستان متحمل خسارت‌های شده اند باید ظرف چهار ماه جبران گردد.

۱۵- در صورت تغییر ملیت عراق به ملیت عرب باید در مدارک آنها مانند شناسنامه، کارت هویت و پاسپورت و غیره ملیت کرد قید گردد.

۱۶- اگر پرچم و علامت دولت عراق تعویض شود به هر کدام باید یک سبیل کرد اضافه گردد.

د- گزیده‌ای از التیماتوم بعثی‌ها

در دهم ژوئن ۱۹۶۳ به حزب دموکراتیک کردستان

(از شورای ملی فرماندهی انقلاب که در همان تاریخ از رادیو بغداد پخش و توسط خبرنگار B.B.C ضبط گردیده است):

هم میهنان، شورای فرماندهی انقلاب در اولین اعلامیه خود و همچنین در اعلامیه بعدی و نیز در برنامه انتقالی انقلاب، ایمان و اعتقاد راسخ خود را به وفاداری کردها و شرکت گسترده آنان در فعالیتهای

سعادت بخش و پیشرفت عراق اعلام نموده است. از همان آغاز، دولت ملی با نهایت صداقت و دوستی برای دستیابی به یک راه حل مسالمت آمیز برای مسأله‌ایکه گریبانگیر رژیم قاسم بوده کوشیده است و این مسأله تا کنون لا ینحل مانده و باعث ویرانی اقتصاد ملی شده و خطرات جدی برای امنیت ملی ایجاد نموده و مانع بازسازی برنامه‌های عمرانی مناطق شمال شامل پروژه‌های صنعتی آبیاری و اصلاحات ارضی و ایستگاههای کشاورزی و پروژههای جلب سیاحان گردیده است. گروههای نفاق افکن فئودال که بخاطر ارتباط با امپریالیسم، ارتجاع و صهیونیسم شهرت دارند و مدت مدیدی از رژیم ارتجاعی و دیکتاتوری قاسم حمایت کرده اند به رفتار صادقانه دولت ملی بی توجه بوده و حقوق حقه کردها و ملت عراق را مد نظر ندارند و از ریختن خون هم میهنان عرب و کرد باکی ندارند و به امنیت و ثبات لازم برای چاره اندیشی اوضاع نابسامان عراق نمی‌اندیشند و همواره منافع خود خواهانه خود را بر منافع حزب و توده‌های کرد ترجیح می‌دهند و از جاه طلبی‌های فرصت طلبانه و سلطه جویانه خود بر کردها چشم پوشی نمی‌کنند و گانگستروار با حالت انعطاف ناپذیری عمل می‌کنند.

مطالب فوق لیست طولی از سرزنش‌ها و ملامت‌ها را به دنبال داشت؛ خائنین تفرقه افکن در خلال مذاکرات موجبات بی‌نظمی را فراهم نمودند. بعلاوه سربازان و افسران کرد را به قیام مسلحانه واداشتند.

با توجه به مراتب فوق لذا به منظور حفظ منافع شهروندان و

تامین امنیت و ثبات میهن، بنحوی که دولت ملی قادر به انجام برنامه‌های مرحله انتقال که توسط شورای ملی فرماندهی انقلاب با توجه به خواست مردم دایر بر حفظ استقلال و وحدت ملی از گزند خائنین نفاق افکن مرتجع تهیه شده از امروز تصمیم گرفته شد مناطق شمال از وجود بقایای بارزانیها و چریک‌هایشان پاکسازی و مناطق یاد شده به عنوان منطقه عملیات فعال در نظر گرفته شود.

شورای فرماندهی انقلاب به این گروه خائن که بر علیه خواست ملت و بر علیه وحدت ملی اقدام می‌کنند اخطار می‌نماید که ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ پخش این آگهی سلاحهای غیر مجاز خود را تسلیم و پشتیبانی خود را از دولت ملی مردمی اعلام تا بدین طریق منطقه را از خرابیهای جنگ مصون دارند و با این اقدام همه برای یک میهن آزاد و سعادت‌مند تلاش کنند. در غیر اینصورت شورای ملی مسئولیت تمام نتایج شوم را متوجه رفتار خائنانه آنها می‌کند. هم میهنان، شورای فرماندهی انقلاب از همه درخواست می‌کند که به نیروهای نظامی کمک و از آنها حمایت کنند و کارکنان دولت را در جنگ علیه این گروه خائن یاری دهند و از هر گونه کمک به هر کس و بهر عنوان قویاً خودداری نمایند.

زنده باد انقلاب ۱۴ رمضان، مرگ بر خائنین تجزیه طلب و دشمنان مردم.

امضاء

شورای فرماندهی انقلاب ۱۰ ژوئن ۱۹۶۳ بغداد

* ((فهرست مطالب)) *

ب- الف	- مقدمه مترجم.....
ج- د- ه- ب	- مقدمه مؤلف.....
۱-۱۱	- بخش اول کردها.....
	- فصل یکم
	کردستان
	آب و هوا
	منابع طبیعی
	جمعیت
	شیوه زندگی کردها
	جامعه کرد
	دین
۱۲-۱۹	- فصل دوم.....
	زبان
	فولکلور و ادبیات
۲۰-۱۳	- فصل سوم.....
	جنبش فرهنگی کرد در قرن بیستم
	جنبش فرهنگی کرد در سوریه
	جنبش فرهنگی کرد در عراق
	جنبش فرهنگی کرد در ترکیه
	جنبش فرهنگی کرد در ایران

جنبش فرهنگی کرد در روسیه

- بخش دوم..... ۲۸-۳۸

تاریخ حرکت‌های ملی کرد

-فصل اول

کردها تا قرن نوزدهم

-فصل دوم..... ۳۹-۴۵

شورش‌های کردها در قرن نوزدهم و حرکت ملی آنها در خلال

جنگ اول جهانی

-فصل سوم..... ۴۴-۵۰

عهدنامه‌های سور و لوزان:

الف. عهدنامه سور

ب. عهدنامه لوزان

-فصل چهارم..... ۵۱-۵۹

مساله کرد در ترکیه

شورش ۱۹۲۵

حوادث سالهای ۱۹۲۷-۱۹۲۸

شورش در سیم (۱۹۳۷-۱۹۳۸)

موقعیت کردها در کردستان ترکیه بعد از جنگ دوم جهانی

-فصل پنجم..... ۶۰-۶۸

مساله کرد در ایران

جمهوری مهاباد

-فصل ششم..... ۷۴-۷۰

مساله کرد در روسیه و سوریه:

مساله کرد روسیه

مساله کرد در سوریه

-فصل هفتم..... ۸۱-۷۵

مساله کرد در عراق

-فصل هشتم..... ۹۱-۸۲

حوادث اخیر عراق

رژیم قاسم

درگیری نظامی (۱۱ سپتامبر ۱۹۶۱ تا ۸ فوریه ۱۹۶۳)

دوره ترک مخاصمه (۹ فوریه ۱۹۶۳ تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۳)

نتیجه..... ۹۴-۹۲

ملحقات..... ۱۰۹-۹۵

الف- متن رسمی کامل مواد عهدنامه سور: درباره مساله کرد

(۱۰ اوت ۱۹۲۵)

ب- چکیده‌ای از برنامه حزب دموکراتیک کردستان عراق

ج- یادداشت کردها که در تاریخ ۲۴ آوریل به عنوان اساس

مذاکره در مورد کردستان به دولت عراق ارائه شده است.

د- گزیده‌ای از التیماتوم بعضی‌ها در دهم ژوئن ۱۹۶۱ به حزب
دموکراتیک کردستان.
فهرست مطالب..... ۱۱۱

فهرست منابع

- BARTH** (frederick). Principles of social organization in Southern Kur distan, Oslo, 1953.
- BEDIR KHAN** (Emir Kamuran Aali). Langue kurde. Elements gram. maire. Cours donne a l'E.N.L.O.V (2vol) Paris, de 1953.
- BOIS** (Thomas), O.P. Cf. references citees au cours de l' ouvrage.
- CHEREF EL DINE KHAN** (Prince de Bitlis). Cheref Nameh (fastes de la nation kurde), ecrit en persan et traduit en francais par Francois Charmoy, Saint-Petersbourg, 1868-1875.
- EDMONDS**(C.J). Kurds, Turks and Arabs, Oxford University Press, Londres, 1957.
- KURDOEV** (KURDO K.). Grammaire russe (en kurde), Erevan, 1956.
- Dictionnaire kurde-russe (caracteres latins), Moscou, 1960.
- MACKENZIE** (D.N.). Kurdish Dialect Studies. Oxford Universaty Press, t.I, Londres, 1961; t.II, Londres. 1962.
- MINORSKY** (Vladimir). Kurdes, Kurdistan, dans < Encyclopedie de l'Islam>, Paris, 1926.
- NIKITINE** (Basile). Les Kurdes. Etude sociologique et historique, C. Klincksieck, Paris, 1956.
- RAMBOUT** (Lucien). Les Kurdes et le Droit, Le Cerf, Paris, 1947.
- SAFRASTIAN** (Arshak). Kurds and Kurdistan, Harwill Press Ltd, Londres, 1949.
- TSUKERMAN** (I. I.) Elements de grammaire kurde, Moscou, 1962.
- WAHEED**(Major Sheikh A.). the Kurds their Country. A history of the kurdish people from earliest times to the present. Uni-Book Agency, Lahore, 1955.
- ZAKI** (E). Histoire des Etats et des Emirats kurdes a lepoque islamique, Bagdad, 1937. Ecrit en kurde et traduit en arabe, Bagdad, 1948.
- Voir aussi les references citees citees au cours de l' ouvrage.



Kurdistan university

LE PROBLÈME KURDE ESSAI SOCIOLOGIQUE ET HISTORIQUE

PAR

Joyce. Blau

Traduit

PAR

Dr. P. Amini

Member d'enseignant université de kurdistan

tarikhema.org

قیمت : ۶۵۰ تومان

شابک : ۹۶۴-۹۰۲۴۸-۲-۴

ISBN: 964 - 90248-2-4